



نام و یاد ریحانه گرامی باد

پیام مینا احدی
به مناسبت اعدام ریحانه

صفحه ۲

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۸۰

جمعه ۹ آبان ۱۳۹۳، ۳۱ اکتبر ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

ریحانه چهره هزاران اعدای بیگناه است!

شکست اسلاميون در تونس، گامی به پیش!

حقوق بشر اسلامی، "توحش مقدس"!

صفحه ۹



بی‌اقتی سرمایه و موقعیت کمونیسم امروز

گفتگو با حمید تقوایی در مورد قطعنامه
های مصوب کنگره

صفحه ۳

ملی اسلامی های بی شرم!

اصغر کریمی

صنم تا خانم هیلا صدیقی که احساسات ناسیونالیستی غلیظش ممکن است او را به دستجات راست افراطی هم بکشاند، و بی‌بی سی فارسی و جماعت امام علی که در مورد این یکی باید اعتراف کنم که نمیدانم بیشتر افتخار نزدیکی به ملی اسلامی‌ها دارد یا

صفحه ۵

بقای سیاسی‌شان به سرکوب بیشتر و دوام این حکومت گره خورده است و با پیشروی جنبش سرنگونی قافیه میبازند و دچار افسردگی میشوند. این کنه مساله است و ماهیت ملی اسلامی‌ها و تئوری‌ها و توجیهاتشان را لخت و عور بیان میکنند. از عمادالدین باقی و عباس عبدی تا ابراهیم نبوی و بانو

سلحشوران ملی اسلامی بدنبال اعدام ریحانه جباری، یکی پس از دیگری از سوراخ‌ها بیرون آمده و علیه مخالفین اعدام و مخالفین جمهوری اسلامی شمشیر میکشند و با لحن وقیحانه تری در افشانی میکنند. اینها فعالین یا سخنگویان جنبشی هستند که

ریحانه جباری اعدام شد!

اطلاعیه کمیته بین‌المللی علیه اعدام

صفحه ۲

تظاهرات در شهرهای مختلف

علیه اسیدپاشی

از اطلاعیه های حزب



حکومت اسیدپاشان در استیصال

شهلا دانشفر

صفحه ۷

اعتراض ۱۴ نفر از زندانیان سیاسی گوهردشت

در همدردی با قربانیان اسید پاشی

پیام جمعی از کارگران منطقه پارس جنوبی

بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه اصفهان و

تهران

حکومت اسلامی مسئول مستقیم اسید پاشی زنجیره

ای است!

اطلاعیه کمیته آذربایجان حزب

صفحه ۱۰-۱۱



جنایت اسیدپاشی و جواب

محکم مردم به حکومت اسلامی

کیان آذر

صفحه ۸

کنفرانس مطبوعاتی برلین درباره پرونده

ریحانه جباری برگزار شد

صفحه ۱۲

نام و یاد ریحانه گرامی باد!

پیام مینا احدی به مناسبت اعدام ریحانه



قبل به یمن يك كمپین گسترده بین المللی نور روشنی بر روی این پرونده تأیید شد. یکطرف ریحانه ایستاده بود با قامتی بلند و صدایی رسا و طرف دیگر نقاب بر صورتان و ترسهای وزارت اطلاعات که سرخ ماجرا را در دست داشتند و دنبال يك قاتل بودند تا نقش وزارت مخوفشان در این قتل ناروشن بماند. ریحانه حرف زد. ریحانه قلبش را بر روی میلیاردها نفر باز کرد. ریحانه در قلب میلیاردها نفر جا گرفت. دنیا صدای او را شنید. صدای منطق انسانی يك زن را. صدای قربانی در معرض تعرض جنسی را که از خود دفاع کرده بود و در محضر حکومت اسلامی و مردسالاری و زن ستیزی اسلامی متهم بود و باید تاوان پس میداد. ریحانه صدای اعتراض میلیونها زن

من مینا احدی در نقش یکی از مادران ریحانه که در خارج کشور برای نجات جان ریحانه جوان از اعدام فعالیت میکردم به شعله پاکر و فریدون جباری گرامی، مادر و پدر ریحانه، به خانواده عزیز ریحانه و به تمام کسانی که برای نجات ریحانه تلاش کردند، صمیمانه تسلیت میگویم.

ریحانه جباری ۱۹ ساله بود که در يك واقعه در معرض تعرض و تجاوز جنسی قرار گرفت و در جریان دفاع از خود، ضربه ای به سرنبدی، یکی از همکاران قبلی وزارت اطلاعات زد و سرنوشتش عوض شد. ریحانه ظاهراً وارد تله وزارت اطلاعات شده بود. او را در زندان شکنجه کردند و از او اقرار گرفتند که قاتل سرنبدی است. از يك سال

حرمیت انسانی زنان دفاع کرد. ریحانه اعدام شد اما در مقابل داعشیان قرن کوتاه نیامد. نام و یاد او جاودانه خواهد ماند.

حقی خبر کشتن ریحانه را از طریق سایتهای خونینشان، تسنیم و فارس نیوز، اعلام کردند و سپس به خانواده و مردم در مقابل درب زندان رجائی شهر گفتند ریحانه را کشته اند، برای گرفتن پیکر ریحانه ساعت ۸ صبح بیایید. ریحانه را امروز اعدام کردند. شنبه. تا در مقابل زنان و مردان جوانی که به اسپدپاشی اعتراض دارند و اعلام اعتصاب عمومی کرده اند، چنگ و دندان نشان دهند. ریحانه اعدام شد اما در مقابل جهان مهر باطلی بر سیستم قضایی قرون وسطایی رژیم اسلامی زد. ریحانه اعدام شد اما با بخشیدن جان خود از حقوق و

حقیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند با برگزاری مراسم های همدردی، شبهای همبستگی و ابراز همدردی عمیق با خانواده داغدار او، یاد او را در همه جای جهان گرامی بدارند.*

شنبه سوم آبان ۱۳۹۳ (۲۵ اکتبر ۲۰۱۴)

ریحانه جباری اعدام شد!



تا لانه رفسنجانی و روحانی و سپاه و وزارت اطلاعات همگی در يك موضوع هنر برجسته ای دارند جنایتکاری و دروغگویی و وقاحت و رذالت!

اینرا اکنون میلیونها نفر شاهد هستند. به مادر و پدري دردمند که هفت سال است برای نجات جان فرزندشان این در و آن در میزدند، دروغ گفتند، آدرس اشتباهی دادند، شایعه پراکنی کردند، بهر طریق ممکن کوشیدند، مانع از تلاش آنها برای نجات جان فرزندشان شوند.

قبل از اینکه به خانواده اعلام کنند که فرزندشان را کشته اند، از طریق رسانه های سپاه و بیت رهبری در نهایت وقاحت و خونسردی اعلام کردند ریحانه اعدام شد، در حالیکه هنوز پشت در زندان به مادر و پدر و خواهر و مادر بزرگ ریحانه هیچ نگفته بودند.

سرنبدی، دست به دست هم داده و علیرغم اعتراضات گسترده بین المللی، این زن جوان را اعدام کردند.

او را در زندان زیر فشار گذاشته، از او اعترافات دیگری گرفتند و در این شرایط فیلمبرداری کرده و سپس او را کشتند. این حکومت داعشیان قرن در ایران است!

اعدام ریحانه و چندین و چند سال درگیر شدن با سیستم قضایی جمهوری اسلامی در مورد سرنوشت ریحانه، عمق کثافت و رذالت يك حکومت و يك سیستم قضاوت را در معرض دید دنیا قرار داد.

بگذار همگان ببینند که در ایران مردم این کشور با چه جانورانی دست و پنجه نرم میکنند. بگذار دنیا ببیند که از بیت رهبری

برای میلیونها نفری که سرنوشت این دختر جوان را تعقیب میکردند، برای هزاران نفری که برای نجات ریحانه عزیز به خیابان رفتند، برای هزاران مادری که اشک ریختند و در رسانه ها تقاضای عفو و بخشش کردند، با کمال تأسف باید اعلام کنیم که ریحانه جباری اعدام شد!

این یکی از فجع ترین خبرها در روز شنبه خونین بود. شنبه ای که قرار است در اصفهان و تهران و رشت و تبریز و سنج، علیه اسید پاشی به زنان مردم به خیابان بیایند و ما امیدواریم با حضور گسترده زنان و مردان آزاده در عین حال پاسخ درخوری به این جنایت وحشیانه و بیشرمانه حکومت اسلامی ایران داده شود. مغز متفکرهای رژیم اسلامی، جانیان و قاتلین حرفه ای، قاتلین

این نظام نکبت اسلامی است. این حکومت جنایتکار اسلامی است این داعش حاکم بر ایران است!

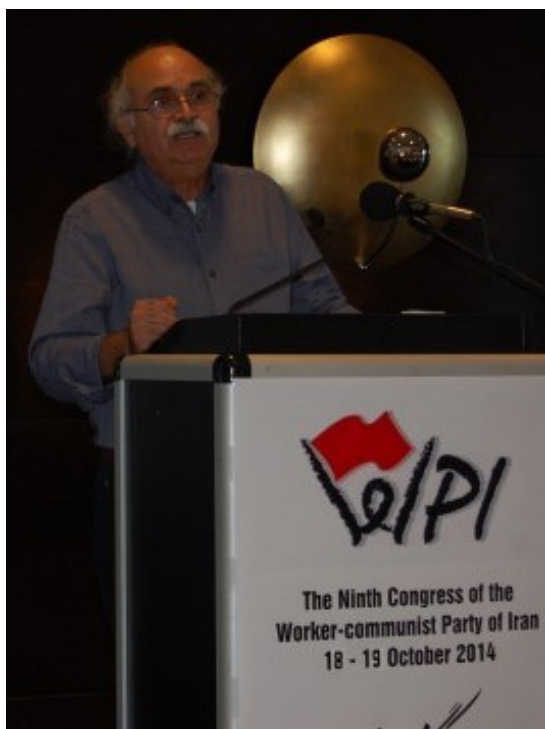
اگر نکشند پاسخ ریحانه ها را چه خواهند داد، پاسخ جوانانی را که سر به آسمان میکوبند و برای آخوند و رهبر و جمهوری نکبت اسلامی تره خرد نمیکنند را چه باید بدهند.

جمهوری اسلامی ایران با اعدام ریحانه، طوفان درو خواهد کرد. اینرا مطمئن باشد. کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۲۵ اکتبر ۲۰۱۴

بی افقی سرمایه و موقعیت کمونیسم امروز

گفتگو با حمید تقوایی در مورد قطعنامه های مصوب کنگره نهم حزب



است که به پایان رسیده است. دوره پسا شوروی نزدیک به دو دهه یکه تازی های دولت آمریکا را برای تامین هژمونی اش بر جهان يك قطبی بعد از جنگ سرد بدنبال دارد. اصطلاح نظم نوین جهانی نام دیگری برای تامین هژمونی نوین جهانی بورژوازی آمریکا در این دوره است اما واقعیات سرسخت اقتصادی - بحران تعمیق شونده اقتصادی که با ریزش وال استریت در زمستان ۲۰۰۸ همه استراتژی و دکترین و مدح و ثنای فریدمنیستی بازار آزاد را یکشنبه دود میکنند و بهوا میفرستند - و به همراه آن نافرجامی سیاسی نتوکسرواتیسم و شکست هژمونی طلبی میلپتاریستی آمریکا به همه نشان میدهد که نظم نوین بازار آزاد نیز به آخر خط رسیده است. از لحاظ اقتصادی سلطه جهانی سرمایه در دهه های آخر قرن گذشته بفرجام رسیده بود اما با فروپاشی شوروی پرچم و پلاتفرم سیاسی سرمایه داری کمپ غرب که دیکتاتوریهایی جهان سومی در کمپ غرب - در خاورمیانه و در آسیا و در آفریقا - را به بهانه مقابله با خطر شوروی توجیه میکرد نیز بزمین افتاد و سرمایه داری بازار آزاد با تمام جنایات میلپتاریستی و تروریسم نظم نوینی اش، بیواسطه و بدون هیچ محمل و بهانه ای در برابر انظار جهانیان قرار گرفت. جنایات میلپتاریسم نتوکسرواتیستی غرب و آدمکشی های جریانات قومی و مذهبی و بویژه دار و دسته های اسلامی در این دوره را تماما باید پپای سرمایه داری به آخر خط رسیده عصر پسا جنگ سرد نوشت.

این روند در اواخر قرن بیستم، با گسترش و سلطه سرمایه به اقصی نقاط جهان، به پایان میرسد. از اواخر دهه هفتاد قرن گذشته، دوره ای که رونق نسبی بعد از جنگ دوم به پایان میرسد و نتوکسرواتیسم سربلند میکند و به بستر اصلی سیاست جهان سرمایه داری بدل میشود، روند بحران و بن بست و بی افقی اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیک سرمایه داری نیز آغاز میشود. فروپاشی شوروی و کمپ سرمایه داری دولتی اولین نتیجه این بحران و بی افقی است، اما بحران و بن بست، برخلاف آنچه منادیان بازار آزاد سرمستانه بر خرابه های دیوار برلین اعلام میکنند، تنها مختص به سرمایه داری دولتی نیست. فروپاشی شوروی يك پیروزی ایدئولوژیک و سیاسی برای سرمایه داری بازار آزاد به نظر میرسد و برای مدت کوتاهی فرجه ای در اختیار کمپ غرب قرار میدهد تا پایان تاریخ و ازلی ابدی بودن "سرمایه داری ناب بازار آزاد" را اعلام کند اما به سرعت معلوم میشود این نظم سرمایه

نتیجه اش را امروز همه میبینیم. به نظر من اقتصاد سیاسی قرن بیستم را با دو جنگ جهانی و با همه انقلابات و تحولات زیر و رو کننده اش میتوان با گذار دنیا از فتودالیسم به سرمایه داری توضیح داد. حتی بعد از انقلاب اکتبر و شکل گرفتن و قدرتمند شدن و سر بلند کردن سرمایه داری دولتی در روسیه، جنگ سرد و رقابت بین دو کمپ شرق و غرب محمل اصلی این گذار بود. در این دوره مدلهای رشد سرمایه داری دولتی و یا بازار آزاد، هم "راه رشد غیر سرمایه داری" مدل روسی و هم اصلاحات ارضی مدل آمریکائی (مانند اصلاحات ارضی در ایران دهه ۴۰ شمسی) هر دو هدف بسط سرمایه به کشورهای جهان سوم را دنبال میکردند و به این معنی جزئی از پروسه ادغام جوامع جهان سومی در بازار کار و کالای سرمایه جهانی بودند.

این روند در اواخر قرن بیستم، با گسترش و سلطه سرمایه به اقصی نقاط جهان، به پایان میرسد. از اواخر دهه هفتاد قرن گذشته، دوره ای که رونق نسبی بعد از جنگ دوم به پایان میرسد و نتوکسرواتیسم سربلند میکند و به بستر اصلی سیاست جهان سرمایه داری بدل میشود، روند بحران و بن بست و بی افقی اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیک سرمایه داری نیز آغاز میشود. فروپاشی شوروی و کمپ سرمایه داری دولتی اولین نتیجه این بحران و بی افقی است، اما بحران و بن بست، برخلاف آنچه منادیان بازار آزاد سرمستانه بر خرابه های دیوار برلین اعلام میکنند، تنها مختص به سرمایه داری دولتی نیست. فروپاشی شوروی يك پیروزی ایدئولوژیک و سیاسی برای سرمایه داری بازار آزاد به نظر میرسد و برای مدت کوتاهی فرجه ای در اختیار کمپ غرب قرار میدهد تا پایان تاریخ و ازلی ابدی بودن "سرمایه داری ناب بازار آزاد" را اعلام کند اما به سرعت معلوم میشود این نظم سرمایه

انترناسیونال. نهمین کنگره حزب کمونیست کارگری در روزهای ۱۸ و ۱۹ اکتبر بشکل علنی در آلمان برگزار شد. این يك کنگره روتین حزب بود، اما مانند هر کنگره ای در شرایط معین اجتماعی و سیاسی برگزار می شد و متاثر از این شرایط بود. بنظر شما ویژگی های شرایطی که کنگره در آن برگزار شد - چه در سطح جهانی و چه در سطح ایران - کدامند؟

حمید تقوایی: شرایط سیاسی امروز دنیا را در پایه ای ترین سطح با بحران و بی افقی همه جانبه سرمایه داری میتوان توضیح داد. سرمایه داری جهانی در دهه دوم قرن بیست و یکم نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از لحاظ سیاسی، ایدئولوژیک و استراتژیک نیز سردرگم و بی چشم انداز است. در دوره های گذشته چنین نبود. قبل از دوره جنگ سرد و زمانیکه بسیاری از کشورهای آسیائی و آفریقائی هنوز در شرایط فتودالی و مقابل سرمایه داری به سر میبردند گذار به سرمایه داری، صنعتی شدن و مدرنیسم و مدلهای رشد اقتصادی و اجتماعی در این راستا چشم اندازی بود که کاپیتالیسم در برابر دنیا قرار میداد. استعمار و کلنیالیسم و فتح بازارهای کار و کالا از یکسو مناسبات کهن و فتودالی را در هم می شکست و از سوی دیگر به انقلابات ضد استعماری و استقلال طلبانه با خط و هدف و افق صنعتی شدن و مدرنیسم، که معنای بجز رشد و بسط مناسبات کاپیتالیستی نداشت، دامن میزد. مضمون و محتوای انقلابات قرن گذشته حتی آنان که تحت نام کمونیسم شکل گرفتند و پیروز شدند چیزی جز این نبود. حتی انقلاب اکتبر بوسیله ناسیونالیسم صنعتی گرا و عظمت طلب روسیه که بوسیله استالین نمایندگی میشد به شکست کشیده شد و حاصلی بجز رشد سرمایه داری دولتی و صنعتی شدن روسیه نداشت. در مورد انقلاب چین هم که

انترناسیونال. این شرایط چه چالش هایی را در مقابل حزب قرار می دهد؟

حمید تقوایی: مهمترین چالش شناختن و بحساب آوردن و بکار گرفتن شرایط و مکانیسمهای تازه اجتماعی در مبارزه علیه سرمایه داری به حیض افتاده دوران ما است. من در سخنرانی افتتاحیه کنگره به این موضوع اشاره کردم که شرایط امروز ظاهرا يك تناقض و پارادوکس را به نمایش میگذارد. از یکسو سرمایه داری به چنان بحران همه جانبه ای گرفتار شده که حتی متفکرین و آکادمیسینها و مقامات و گردهمائی های بین المللی خود طبقه سرمایه دار در مورد نابرابری و بیعدالتی اقتصادی و فاصله رشد یابنده بین فقر و ثروت و عدم امکان ادامه این وضعیت هشدار میدهند و برای جلوگیری از انفجارات اجتماعی و شورش گرسنگان نسخه می پیچند. از طرف دیگر نیروهای کمونیستی و چپ رادیکال و متحزب در تحولات جاری جایگاه چندانی ندارند، و در عوض نیروهای فاشیستی قومی مذهبی از نوع داعش زمینه ابراز وجود و رشد

و پیوستن به قافله سرمایه دار صنعتی غرب نبود، بلکه قیام علیه سلطه سرمایه بود. انقلاب مصر و تونس همانقدر علیه سلطه يك جنبش اشغال همانقدر علیه دیکتاتوری سرمایه بود که انقلابات بهار عرب. دنیا علیه سرمایه داری در خالص ترین و کلاسیک ترین و عریان ترین شکلش - یعنی سرمایه داری بازار آزاد - پیا خاست و گرچه به پیروزی نرسید ولی دوره تازه ای را در تاریخ انقلابات و مبارزات توده ای آغاز کرد. این مهمترین ویژگی دوران ماست.

این واقعیت اساسی تزی پایه ای قطعنامه های مصوب کنگره را تشکیل میدهد. قطعنامه "موقعیت کمونیسم امروز و ضرورت متحول شدن پراتیک حزب کمونیست کارگری" بر کمونیسم اجتماعی و اتکا بر شرایط و مکانیسمهای تازه مبارزه اجتماعی برای پاسخگویی به شرایط حاضر تاکید میکند، و قطعنامه "بحران جدید خاورمیانه" ورشکستگی و بن بست سرمایه جهانی را در شرایط فاجعه بار امروز خاورمیانه مورد بررسی قرار میدهد.

یافته اند! زمینه و ریشه های این شرایط و این تناقض ظاهری در قطعنامه "موقعیت کمونیسم امروز ..." توضیح داده شده است. داعش خود هم محصول و نتیجه سیاستهای میلیتاریستی و هژمونی طلبانه و هم نافرجامی این سیاستها است. از سوی دیگر دکترین و استراتژی منحن نسبت فرهنگی و جا باز کردن برای اقوام و مذاهب در سیاست و جامعه در قالب تز جوامع و دولت‌های موزائیکی متشکل از دارودسته های قومی - مذهبی فضا و پارادایمی را در جهان بوجود آورده که هیولای آدمخواری نظیر داعش میتواند بعنوان يك نوع حکومت و راه و رسم اداره جامعه بر مبنای توحش صدر اسلام سر بلند کند و محلی از اعراب داشته باشد. داعش نماینده و مظهر گنبدیگی و انحطاط سرمایه داری عصر ما، هم از جنبه سیاسی و هم فکری و عقیدتی هر دو است. کمونیسم و چپ انقلابی دوره ما تنها میتواند با به نقد کشیدن سرمایه داری منحن دوران ما در تمامی وجوه آن - در سیاستهای تروریستی دولت آمریکا و متحدینش، در دکترین پست مدرنیستی و نسبت فرهنگی، و در نقد و افشای جنبش اسلام سیاسی و نیروهای فوق ارتجاعی قومی و مذهبی که مثل قارچ بر پیکر گنبدی سرمایه داری امروز روئیده اند - به يك نیروی پرنفوذ اجتماعی تبدیل بشود.

مجهز بودن به این نقد عمیق و ریشه ای اولین شرط است اما بهیچوجه کافی نیست. شرط دیگر شناخت و بکارگیری شیوه ها و مکانیسمهای امروز مبارزه طبقاتی در دهه دوم قرن بیست و یکم است. توده گیر شدن مدیای اجتماعی و شکسته شدن انحصار دولتها بر رسانه ها و بر اطلاع رسانی و مهندسی افکار، تحول عظیمی در آگاهی و سازمانیابی و مبارزات و انقلابات توده ای بوجود آورده است که حتی با دهسال قبل قابل مقایسه نیست. این شرایط موازنه قوا را به نفع مردم معترض به وضع موجود و به ضرر يك درصديهای حاکم بهم زده است.

حتی يك بررسی اجمالی انقلابات موسوم به بهار عرب و جنبش اشغال - و قبل از آن اعتراض جهانی به لشکر کشی به عراق در سال ۲۰۰۳ - نشان میدهد که بدون تحولی که مدیای اجتماعی در امر ارتباطات و همراهی و سازمانیابی و بسیج توده ای مردم ایجاد کرده است این جنبشها و انقلابات ممکن نبود.

از سوی دیگر نقطه ضعف اساسی این جنبشها غیاب يك کمونیسم انقلابی متحزب است. نیروی انقلابی ای که بتواند اعتراض و ناراضی توده مردم، اعتراض نود و نه درصدیها به يك درصد حاکم را به نقد سوسیالیستی طبقه کارگر به سرمایه داری متکی کند، و به صدا و چهره و نماینده سیاسی انقلاب در مبارزه بر سر قدرت سیاسی تبدیل بشود.

حزب ما مشخصا به برنامه و سیاست و استراتژی روشن و رادیکال و عمیقی در شناخت و تبیین سرمایه داری امروز و نیروها و جنبشهای قومی و مذهبی دست پرورده آن مجهز است. برای ما چالش اصلی متکی شدن و بکار گرفتن مکانیسمها و شیوه های تازه مبارزه برای تبدیل شدن به يك نیروی پرنفوذ و قدرتمند اجتماعی است. بخش عمده ای از بندهای قطعنامه "موقعیت کمونیسم امروز ..." به این مساله اختصاص دارد.

انترناسیونال: آیا منظور از متحول شدن پراتیک حزب که در قطعنامه مطرح شده همین بکارگیری وسیع مدیای اجتماعی است؟

حمید تقوایی: مساله فقط بکارگیری مدیای اجتماعی در مبارزه نیست. این صرفا يك جنبه فنی و تکنیکی اتکا به مکانیسمهای امروز مبارزه است که گرچه اهمیت زیادی دارد اما جنبه مهمتر تغییر و تحولی است که در اثر مدیای اجتماعی در شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه و مکانیسمهای مبارزه طبقاتی ایجاد شده است. تبلیغ و ترویج سازماندهی امروزه ابعاد دیگری بخود گرفته است، نفس فعالیت سیاسی و اجتماعی و شکل دادن به جنبشهای اعتراضی و اکتیویست و

معرض بودن در این جنبشها از نظر کمی و کیفی کلا متحول شده است، و حتی شکل گیری انقلابات و روند انکشاف آنها کاملا با انقلابات کلاسیک متفاوت است. در قرن گذشته قابل تصور نبود که دیکتاتوریهای باثبات و بتون آرمه ای نظیر رژیمهای مصر و تونس آنها در شرایط از میان برخاستن کمپ شرق و پیروزی اردوگاه غرب که حامی سنتی این دیکتاتوریها بود، و حمایت کامل بورژوازی جهانی از این دیکتاتوریها، و در غیاب يك حزب و نیروی رهبری کننده، در عرض چند هفته سرنگون بشوند. بحث فقط بر سر استفاده از مدیای اجتماعی نیست بلکه اتکا بر ویژگی جنبشها و انقلابات عصر مدیای اجتماعی است. من در کنگره این مثال را زدم که همانطور که کامپیوتر و وردپروسور در دهه هشتاد قرن گذشته امر نویسندگی را کاملا متحول کرد و تعداد زیادی از افرادی که با قلم و کاغذ توان نوشتن نداشتند به جرگه نویسندگان پیوستند، مدیای اجتماعی نیز به مبارز و اکتیویست بودن معنی تازه ای بخشیده است. افراد و بویژه جوانان در يك مقیاس کلان با بکار گرفتن مدیای اجتماعی پا به عرصه مبارزه میگذارند و حرکتهای اعتراضی و جنبشهای موفق سازمان میدهند. جنبش ترمز که به سرنگونی اخوان المسلمین در مصر منجر شد، به همت و کوشش چنین جوانانی شکل گرفت. همین نمونه در عین حال نشان میدهد که حضور و وجود يك حزب کمونیست انقلابی چه اهمیت تعیین کننده ای دارد. محصول جنبش ترمز از ارتش مصر چید همانطور که سرنگونی مبارک به روی کار آمدن اخوان المسلمین منجر شد. این تجربه و کلا تجربه انقلابات موسوم به بهار عرب و همینطور جنبش اشغال در غرب نشان میدهد که گرچه اعتراض و انقلاب و تحرك و بسیج توده ای اساسا از طریق فعالین و رهبران عملی مجهز به مدیای اجتماعی امکانپذیر شده است اما نمایندگی شدن توده مردم انقلابی در عرصه قدرت سیاسی و پیروزی نهائی انقلاب بدون يك حزب انقلابی رهبری کننده ممکن نیست. تحولی که در اثر انقلاب تکنولوژیک در عرصه ارتباطات اجتماعی و

خودسازماندهی و بسیج و تحرك توده ای ایجاد شده است نقش سیاسی و رهبری کننده احزاب بویژه در بجالش کشیدن دولت و خلع ید سیاسی و اقتصادی از سرمایه داری را بیش از پیش برجسته و تعیین کننده میکند. روشن است احزابی میتوانند این نقش را ایفا کنند که خود در حرکات و اعتراضات اجتماعی جاری فعالانه دخیل باشند، و مدیای اجتماعی را نه صرفا برای سازماندهی حرکات اعتراضی بلکه برای توده ای کردن و جاری کردن موضوعات و سیاستها و اهداف رادیکال و انقلابی و ضد کاپیتالیستی در دل جنبشهای اعتراضی وسیعا بکار بگیرند.

هیچ حزب کمونیست انقلابی در عصر ما نمیتواند بدون بحساب آوردن این تحولات و متکی کردن شیوه های عملی و پراتیک مبارزاتی خود بر این شرایط تازه به يك نیروی قدرتمند اجتماعی تبدیل بشود. منظور از متحول شدن پراتیک حزب تغییر همه جانبه فعالیتهاى حزبی در این راستا است.

انترناسیونال: بطور مشخص، رهبری حزب چه برنامه ای را برای عملی کردن این جهت گیری اجتماعی در فعالیت حزب در دوره حاضر در دستور دارد؟

حمید تقوایی: در خود قطعنامه رؤس وظایف رهبری حزب در این زمینه توضیح داده شده است. بر این مبنی هیات اجرائی حزب نقشه عمل مشخصی را تدوین میکنند و در دستور کار خود قرار میدهند. این امر هم اکنون آغاز شده است. طرح اولیه این نقشه عمل تهیه شده و قرار است در اولین جلسه دفتر سیاسی به بحث گذاشته شود. در این دوره وظیفه اصلی و محوری هیات اجرائی پیاده کردن این نقشه عمل خواهد بود.

این را هم بگویم که برای حزب ما این يك حرکت ابتدا بساکن و بی سابقه نیست. این در واقع منطبق کردن نظریه "حزب و جامعه" و "حزب و قدرت سیاسی" بر شرایط دهه دوم قرن بیستم است. مساله کماکان همانطور که منصور حکمت در نظریه حزب و جامعه توضیح میدهد متکی شدن به

مکانیسمهای اجتماعی امروز برای تصرف قدرت سیاسی است. ما از زمان مطرح شدن این نظریه گامهای معینی را در جهت پراتیک اجتماعی به پیش برداشته ایم. مشخصا در جنبش کارگری ما پرچمدار و يك عامل اصلی علنیت و چهره بخشیدن به فعالین این جنبش و شکلگیری نهادهای کارگری و تقویت حزبیت در مبارزات کارگری بوده ایم. حزب ما با خط و سیاستی که ده سال قبل تحت عنوان "تعیین بخشی به چپ" اعلام کرد نماینده و يك عامل فعال اجتماعی شدن و قدعلم کردن جنبش کارگری در جامعه بوده است. يك خصیصه دیگر حزب ما دخالتگری در همه عرصه های اعتراض و مبارزه است. حزب از همان بدو تشکیل خود نه فقط در جنبش کارگری و مسائل و اعتصابات و اعتراضات هر روزه کارگران، بلکه در عرصه های متعدد اعتراضات اجتماعی از مبارزه علیه اعدام تا فعالیت علیه اسلام سیاسی و تا دفاع از کودکان و حقوق پناهندگان و علیه آبارتاید جنسی و حجاب و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و غیره فعال و درگیر بوده است. در چند سال اخیر تلاش کرده ایم با بحث اصالت پراتیک و محور قرار دادن "سازماندهی حرکت" و مشخصا تمرکز بر خصلت اجتماعی پراتیک مبارزاتی، حزب را هر چه بیشتر به شیوه ها و شرایط امروزی مبارزه متکی کنیم. قطعنامه کنگره اخیر را بنوعی میتوان برآیند و جمع بندی این سیر حرکت و نقطه عطفی در این روند دانست. نکته مهم اینست که شرایط مبارزه در چند سال اخیر تغییرات اساسی پیدا کرده است و حزب ما موظف است با اتکا به تجربه انقلابات منطقه و جنبشهای توده ای در دهه جاری این تحولات را جمع بندی کند و پراتیک مبارزاتی خود را بر درسها و نتایج این تجربه منطبق کند. من قبل از کنگره هم در مصاحبه ای با انترناسیونال تاکید کردم که تم و موضوع اصلی کنگره تطبیق نظریه حزب و جامعه بر شرایط امروز مبارزه طبقاتی است و فکر میکنم قطعنامه "موقعیت کمونیسم امروز ..." نقطه آغاز این تحول

ملی اسلامی های بی شرم

اصغر کریمی



ریحانه را از ما گرفتند اما جنگ با شدت بیشتری علیه اعدام و جمهوری اسلامی ادامه دارد

خانواده مقتول حرفی بزنید، مبادا به خانواده مقتول بگویید شریک جنایت حکومت نشوند چون در این صورت حکومت و خانواده مقتول کوتاه نمایاند و آنوقت سایت سپاه و مسئولان محترم قضائی و وزاری روحانی و اصلاح طلبان باشرف و بی بی سی باشرف تر شما را علت اصلی قربانی شدن معرفی میکنند. ریحانه هم باید نصایح این جماعت را گوش میکرد و از ابتدا سریندی را متهم نمیکرد که قصد تجاوز به او را داشته و خانواده او را نمی رنجاند. مگر نمیدانست فعلا قانون قصاص جاری است و این اظهارات خانواده سریندی را میرنجانند. دلنوشته هایش را هم نباید به بیرون زندان میفرستاد که جایی منتشر شود و ماهیت جنایتکارانه حکومت و دستگاه قضائی اش را برملا کند و دستگاه قضائی را عصبانی کند. هر کس اعتراضی کرده و تسلیم نشده مقصر و مجرم است.

راستی اینها نمیدانند که این استدلالات زیادی ناشیانه است؟ نمیدانند که فقط در طول دوره روحانی بیش از هزار نفر اعدام شده اند و بیش از ۹۹۰ نفرشان را کسی نمیشناسد و اعدامشان هزینه ای برای حکومت نداشته است؟ خبر ندارند که در همین چند هفته، وزارت اطلاعات و دم و دستگاه قضائی حکومت فشار زیادی به مادر ریحانه آوردند که علیه مینا احدی و کمیته بین المللی علیه اعدام حرفی بزند و او قبول نکرد. اینها اینقدر احمقند که نمیفهمند مردم همدستی یا همفکری اینها با دم و دستگاه جنایت را میبینند؟ درک نمیکنند که کمپین های قدرتمند کمیته علیه اعدام هزینه اعدام ها را برای حکومت در ایران و در سطح بین المللی زیاد کرده است؟ خبر ندارند که کمپین نجات سکینه آشتیانی، هم سکینه را از سنگسار نجات داد و هم دوفاکتو به

میدهند. به این جمله هیلا صدیقی دقت کنید: "از پرونده های جنایی و جزایی استفاده های سیاسی نکنید و ریحانه رو هم مثل دلارا و بهنود و بقیه قربانی نکنید. برای من کامنتها و مسیج های مختلف فرستادند و تهدید کردند و تهمت زدند تا مبادا صدای همفکران من به گوش مردم برسه". دو حکم وقیح و یک اتهام کثیف. همه چیز در افکار اینها وارونه است. اولاً این نه حکومت و قوانین و دولت و خامنه ای و سیستم قضائی حکومت بلکه مخالفین حکومتند که ریحانه و بهنود و دلارا را قربانی کرده اند. ثانیاً جلو آزادی بیان ایشان و همفکران ایشان را نه حکومت که مخالفین حکومت گرفته اند. مخالفین اعدام تهدید هم کرده اند! چه جنایتکارانی هستند این مخالفین اعدام و حکومت اسلامی! و فرق این خانم با بقیه لشگر حامیان روحانی این است که طفلکی صاف و ساده حرفش را زده است. هنوز مثل عمادالدین باقی و یا خانم فرشته قاضی یاد نگرفته که حرفش را بیچاند و رنگ و لعاب تئوریک به آن بزند.

فراخوان اینها به مردم این است که علیه اعدام اعتراض نکنید. اعتراض علنی است و به تریش قبای روحانی و حکومت برمیخورد. برای نجات عزیزانانتان کمپین نکنید. مبادا به کسی بگویید قرار است فرزندان یا همسران را به دار بزنند و موضوع را رسانه ای کنید. مبادا بیگانگان! بفهمند در ایران چه میگردد. سکوت کنید. آش نذری بپزید و دعای کمیل بخوانید. به جماعت امام علی متوسل شوید و از مقامات حکومت یا وزارت اطلاعات خواهش و تمنا کنید. مبادا آنها را عصبانی کنید، مبادا تحت فشارشان قرار بدهید، میدانید که فعلا قوانین قصاص جریان دارد مبادا علیه این قانون و "حق"

اصولگراها، در معیت سپاه و لاریجانی و سایتهای فارس نیوز و تسنیم و کیهان دم گرفته اند که ریحانه بخاطر رسانه ای شدن و کمپین نجات او اعدام شده است. با هر اعدامی بدست قاتلین جمهوری اسلامی، مینا احدی و کمیته بین المللی علیه اعدام و سرنگونی طلبان مورد لعن و نفرین قلم بدستان و رسانه های شریف، ملی اسلامی قرار میگیرند. این کینه و نفرت کاملاً قابل درک است، احساسی و از روی نفهمی و کودنی نیست. منفعت سیاسی طبقاتی روشنی پشت همه اینها خوابیده است.

دقت که میکنید میبینید اینها همگی از اصحاب روحانی و خاتمی هستند، رهبران فکری و سیاسی خاصی دارند، در کمپین های خاصی جا دارند، رای داده اند و دیگران را تشویق به رای کرده اند و چه چیز بدیهی تر از این که بخواهند روحانی معصومشان را از این فشارها نجات بدهند و نوك حمله را به طرفداران سرنگونی طلبان بگیرند. دولت روحانی و دستگاه قضائی بر اساس قانون اساسی حکومت و مصوبات مجلس اسلامی بعد از اینکه زندانبان هایشان شیر زردانی را مکیدند و شکنجه و تحقیر کردند و سالها در سیاهچال هایشان محبوس کردند، میکشند و اینها مردم را به سکوت دعوت میکنند. در اظهارات این بی شرمان يك کلمه تشویق مردم به گسترش مبارزه علیه حکومت نمی بینید. يك شعر یا نثر علیه سیستم قضائی و قوانین این حکومت نمی بینید. نفرت و یا حتی نیمچه اعتراضی علیه اعدام نمی بینید. هرچه زبانشان در مقابل حکومت کوتاه است علیه مخالفین حکومت اما دراز است. تا دلتان بخواهد در مقابل حکومت ذلت و حقارت نشان میدهند اما علیه سرنگونی طلبان و آزادیخواهان رشادت به خرج

حکومت زد، پس راه حل چیست؟ ایشان فرموده اند: "باید از تجربه قانون بدون سنگسار درس گرفته باشیم که تجربه موفق فعالان زن و فعالان مدنی بود؛ فعالانی که بدون توهین و سیاسی کاری، عمر سنگسار را به عمر جمهوری اسلامی گره زده و نگفتند که تنها راه، سرنگونی حکومت است. کار کردند، سراغ مراجع و روحانیون روشنفکر! رفتند، سؤال کردند، مصاحبه کردند، فتوا گرفتند، سراغ حقوقدانان رفتند، با حکومت وارد دیالوگ و گفتگو شدند و در نهایت اسلحه اصلی را از دست حکومت گرفتند؛ حکومتی که مدعی اسلام بود، این بار اما آنها مدعی اسلام شدند که سنگسار وهن اسلام است، وهن انسانیت است و نتیجه را همگان می دانیم. در قانون مجازات اسلامی جدید، سنگسار از قانون حذف شده است. در قضیه اعدام و قصاص باید از این تجربه درس ها آموخت. نباید سرنوشته محکومان به اعدام و قصاص را به سرنگونی و براندازی حکومت گره زد. این چرخه معیوب خشونت زا تنها در صورت تلاش برای بسترسازی جهت قانون بدون اعدام است که بازخواهد ایستاد". این احکام بدیع راه حل و استراتژی جنبش ملی اسلامی است. سرنگونی خشونت است، پرچم اسلام واقعی را بلند کنید و سراغ روحانیون روشنفکر بروید، سرنگونی را کنار بگذارید، از طریق قانون و توسل به جناحی از حکومت همه چیز درست میشود! اعدام و سرکوب و بیحقوقی را به سرنگونی وصل نکنید. این بابا

سنگسار در ایران پایان داد؟ خبر ندارند که کمپین های سیاسی تاکنون جان خیلی ها را از اعدام نجات داده و فضای عمیق و گسترده ای علیه اعدام شکل داده است؟ اینقدر از تاریخ این ۳۶ سال بی خبرند که جمهوری اسلامی از ابتدا تاکنون اعدام کرده و راه غلبه بر اعدام تضعیف حکومت و سرنگونی آن است و سرنگونی حکومت از راه مبارزه سیاسی علنی و کمپین ها و به همت مخالفین حکومت میگذرد نه از طریق سکوت و متوسل شدن به خانواده مقتول و دل بستن به روحانی و خاتمی و متوسل شدن به این حجت الاسلام و آن آیت الله؟ نه، اینها همه اینها را میدانند و اتفاقاً چون میدانند مخالف آن هستند. اینها یا از حکومت بوده اند مثل باقی و عبدی و نبوی که در گذشته ای نه چندان دور سی خردادی و بخشی از دستگاه اعدام و جنایت حکومت بوده اند و یا مانند فرشته قاضی و هیلا صدیقی بدلیل حماقت سیاسی یا فرصت طلبی یا هر دلیل دیگری حامی جناحی از حکومتند. اینها در صف مخالفت با اعدام نیستند اینها در صف دفاع از جناحی از حکومتند.

خانم فرشته قاضی اصل ماجرا را گفته است. درمورد سرنگونی طلبان میگوید: "آنها ریشه کنی اعدام را در گرو ریشه کنی و سرنگونی حکومت می دانند و با گره زدن این دو، امکان هرگونه گفتگو در جهت نجات جان محکومان اعدام را از بین می برند". اما اگر از نظر ایشان برای ریشه کن کردن اعدام نباید دست به

بی افقی سرمایه ...

از صفحه ۴

است.

انترناسیونال، سند دیگر مصوب کنگره، قطعنامه "بحران جدید در خاورمیانه" بود. چه تحلیل و نگرشی بر این قطعنامه حاکم است، و چرا بنظر شما برای درک اوضاع پیچیده حاضر در منطقه و دخالتگری صحیح در آن راهگشاست؟

حمید تقوائی، خاورمیانه آزمایشگاه اعمال نظم نوین جهانی یعنی تامین هژمونی دولت آمریکا در دوره بعد از جنگ سرد بود. این آزمایش شکست خورد و امروز منطقه خاورمیانه به عرصه یک تازی هارتترین نیروهای افسار گسیخته در اثر عروج و افول میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی غرب تبدیل شده است. داعش همانند دیگر نیروهای جنبش اسلام سیاسی، نیروی در مقابل دولت آمریکا و غرب و سرمایه داری جهانی نیست، بلکه حاصل و نتیجه آنست. قطعنامه در سطوح مختلف این واقعیت را باز میکند و توضیح میدهد. بعد از دوره جنگ سرد، شرایط سیاسی خاورمیانه و در یک سطح کلی تر در کل جهان، تحت تاثیر مقابله غرب با نیروهای اسلامی قرار داشت. طالبان و القاعده و حماس محصول این دوره

هستند. کشمکش میان غرب و جمهوری اسلامی نیز در همین چارچوب قرار میگیرد. اما با شکست سیاستهای میلیتاریستی و نافرجام ماندن هژمونی طلبی دولت آمریکا، نیروی نظیر داعش پا به عرصه میگذارد که ارزش مصرف و کاربرد آن نه در جهاد اسلامیون علیه شیطان بزرگ بلکه در کشمکشهای درونی در خود جنبش اسلام سیاسی است. داعش در رقابتهای منطقه ای بین دولتها و نیروهای اسلامی نظیر عراق و ترکیه و عربستان سعودی و قطر بکار گرفته شده و میدانی برای عرض اندام پیدا کرده است. در عین حال همانطور که بالاتر توضیح دادم عقبگرد و حضيض سرمایه داری جهانی در دوران ما که خود را در نظریات پست مدرنیستی و دکترین جوامع موزائیکی و دولتهای قومی مذهبی- عشیرتی نشان میدهد فضا و پارادایم سیاسی و اجتماعی مناسبی برای قدرتگیری جریان هار ارتجاعی ای نظیر داعش فراهم آورده است. داعش در واقع محل تلاقی حضيض و قهقرا و کنديدگی سرمایه داری عصر ما و ظرفیتهای فوق ارتجاعی جنبش اسلام سیاسی است.

قطعنامه این نکات را باز میکند و توضیح میدهد. تبیین و تحلیل این قطعنامه بخصوص برای شناخت بهتر شرایط سیاسی در

ایران اهمیت دارد. جمهوری اسلامی ستون فقرات جنبش اسلام سیاسی است و سربلند کردن نیروی هار وحشی ای نظیر داعش هم از نظر سیاسی و هم ایدئولوژیک و عقیدتی ضربه ای به جمهوری اسلامی محسوب میشود. اعتراضاتی که ابتدا در شهرهای کردستان ایران و سپس در تهران و سایر شهرها در حمایت از مقاومت کویانی شکل گرفت نوعی اعتراض اجتماعی به حکومت همسخ داعش در ایران بود. این حرکت اعتراضی در تظاهرات علیه اسیدپاشی به نحو آشکار تر و صریح تری با ملقب کردن جمهوری اسلامی به "کمتر از داعشی" خود را نشان داد. ما همیشه در تحلیلهای و اسناد حزبی جمهوری اسلامی را بعنوان نماد و نمونه درماندگی و بحران حکومتی بوژوازی در ایران و در سطح جهانی نقد و افشا کرده ایم. سر بلند کردن داعش و بحران جدید خاورمیانه بیش از همیشه و به شکل عریان و برجسته ای نشان میدهد که جمهوری اسلامی در ایران و دولت اسلامی داعش در بخشی از عراق و سوریه هر دو بروز بحران سیاسی و اجتماعی و حکومتی سرمایه داری جهانی در منطقه هستند. و تنها یک مبارزه انقلابی و توده ای از نوع انقلابات بهار عرب با پرچم سکولاریسم و خواست بیرون راندن اسلام از دولت و جامعه و قوانین و سیستم قضائی

و تحصیلی در جوامع اسلامزده میتواند بساط نیروها و دولتهای اسلامی را از ایران و کل خاورمیانه جمع کند و بر بحران امروز خاورمیانه نقطه ختمی بگذارد. این یکی از نتیجه گیریهای قطعنامه است که از نظر عملی در موضعگیریها و فعالیتهای حزب در ایران و بویژه در مربوط کردن مبارزات مردم ایران به مبارزه مردم منطقه نظیر مقاومت قهرمانانه کویانی، نقش مهمی ایفا میکند.

انترناسیونال: اجازه بدهید بعنوان آخرین سؤال به خود کنگره بپردازیم. کنگره نهم در ادامه سنت کنگره های پیشین (از کنگره ۳ به بعد) علنی برگزار شد. از عموم برای شرکت در کنگره دعوت شده بود، نشست های کنگره بطور زنده از اینترنت پخش می شدند و مهمترین نشست های آن با فاصله ای کوتاه از تلویزیون کانال جدید پخش شدند. بنظر شما چرا برگزاری علنی کنگره مهم است؟

حمید تقوائی، علنی بودن کنگره های ما بخشی از سیاست باز و شفاف بودن حزب ما و مکانیسمهای درونی حزب ما است. همانطور که فعالین و کادرهای حزب با اسم و رسم و تصویر و کارنامه فعالیتهاشان و همچنین نحوه تعیین و انتخاب کمیته ها و ارگانهای رهبری حزب

برای جامعه شناخته شده و معرفی است، کنگره حزب نیز بعنوان عالیترین ارگان حزبی که کمیته مرکزی حزب را انتخاب میکنند علنی و در دسترس جامعه است. ما یک حزب اجتماعی باز و علنی هستیم و نه یک سازمان مخفی و زیر زمینی، و این خصوصیت را شما در تمامی جنبه های فعالیت حزبی میتوانید مشاهده کنید. نکته دیگر البته اینست که حزب ما از نظر سیاسی از چنان انسجام و اتحادی برخوردار هست که علنیت

نه تنها نشانه شفافیت و اجتماعی بودن بلکه در عین حال نشاندهنده همدلی و همنظری و اراده واحد کادرها و اعضای حزب است. احزابی که از چنین انسجامی برخوردار نیستند تمایل چندانی به علنی شدن جلسات و مباحث خود نشان نمیدهند اما حزب ما خوشبختانه چنین محذوراتی ندارد! برای حزب ما کنگره های علنی در واقع بخشی از اشاعه و تبلیغ علنی سیاستها و اهداف و نقشه عملهای مورد بحث و به تصویب رسیده در کنگره ها محسوب میشود. امیدوارم خوانندگان این مصاحبه فرصت داشته باشند که به نوارهای ویدیویی جلسات کنگره رجوع کنند و مستقیماً در جریان مباحث آن قرار بگیرند.*

اعتراض کارگران تراکتورسازی تبریز به عدم پرداخت دستمزدها

۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه «ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی تبریز»، روز ۳ آبان در اعتراض به پرداخت نشدن ۲ ماه حقوق و نیز عدم پرداخت ۷ ماه حق بیمه و نامشخص بودن وضعیت کارخانه مقابل درب ورودی این واحد صنعتی تجمع کردند.

عدم پرداخت دستمزدها و حق بیمه یک سیاست کثیف سرمایه داران اسلامی و یک تعرض جنایتکارانه علیه معیشت کارگران است.

روشن است که کارفرمایان و حامیان حکومتشان سعی خواهند کرد با ترکیبی از وعده های توخالی و تهدید اعتراض کارگران را خاموش کنند. اما تجربه اعتراضات کارگری در رشته های دیگر نشان میدهد که کارگران با تشکیل مجمع عمومی، با بحث و مشورت و تصمیم گیری دسته جمعی و پیگیری خواسته هایشان میتوانند حقه ها و تهدیدهای کارفرمایان و دولتشان را خنثی کنند و راه را برای پیروزی مبارزه برحقشان باز کنند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن حمایت از اعتراض کارگران تراکتورسازی تبریز، کارگران سایر بخشها را فرا میخواند به هر طریق ممکن از کارگران تراکتورسازی حمایت کنند.

زنده باد مبارزه متحدانه کارگران

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۴ آبان ۱۳۹۳، ۲۶ اکتبر ۲۰۱۴

کینه اصلی شان متوجه سرنگونی طلبان است و الحق که دل خونی از مینا احدی و حزب کمونیست کارگری دارند. اینها با اعدام نیرو میگیرند و خوراک حمله به مخالفین حکومت پیدا میکنند. بقای جنبش اینها به بقای حکومت گره خورده است. اینها امکانات مالی و رسانه ای زیادی هم دارند اما مشکل اصلی شان این است نه آبرویی دارند و نه آینده ای. خیلی هایشان اینرا فهمیده اند و به کمپ های دیگر پیوسته اند و بخشی همچنان در حماقت سیاسی دست و پا میزنند.

ریحانه را از ما گرفتند اما جنگ با شدت بیشتری علیه اعدام و جمهوری اسلامی ادامه دارد. باید جبهه علیه اعدام و سازمان های علیه اعدام را بیشتر تقویت کرد.

ملی اسلامی های بی شرم!

از صفحه ۵

سالها است در آمریکا زندگی میکند اما حتی یک ساعت وقت صرف مروری بر تاریخ مبارزات مردم همین کشور نکرده است و همچنان فلسفه و تاریخ و حقوق و دنیا را از سوراخ ذهنیت آخوندها توضیح میدهد.

اینها اصلاح طلبند. اگر با فارس و تسنیم همسو میشوند از ذات اصلاح طلبی شان است. در راستای استراتژی شان است. اینها حتی از زندان هم پیام میفرستند که مبادا روحانی آزادی آنها را در اولویت قرار بدهد! جل الخالق. و

حکومت اسیدپاشان در استیصال

شهلا دانشفر

اسیدپاشی بر روی زنان، تنه‌ها و صورت را مورد حمله قرار نداد، بلکه حمله اش به کل مردم و عقب راندن کل جامعه بود. حکومت اسلامی که در بدو روی کار آمدنش با حمله به زنان تلاش کرد که پایه های حکومت خود را بنا کند، امروز بعد از سی و چند سال حاکمیت در اوج استیصالش دست به چنین حمله ای به زنان و کل جامعه می زند تا با ایجاد رعب و وحشت حاکمیتش را از لبه پرتگاهی که در آن قرار گرفته است رها کند. در چنین اوضاعی است که حملات حکومت اسیدپاشان اسلامی با موجی از اعتراض در میان مردم و با انزجاری جهانی روبرو شده و این حملات تا همین جا هزینه سنگینی برای حکومت در پی داشته است. مبارزات مردم علیه اسیدپاشی بر روی زنان بطور واقعی فاز جدیدی در فضای اعتراضی جامعه باز کرد. اتفاقاتی که در یک ماه اخیر شاهد هستیم، اتفاقات مهمی است که اینجا مروری بر آنها می کنیم. زمینه های چنین حملاتی به مردم و اسیدپاشی بر روی زنان کدامند؟ ابعاد اعتراضات مردم در برابر این تعرضات چیست و اوضاع به کدام سمت و سو می رود؟ اینها موضوعات مهمی است که می‌کوشم در اینجا مروری بر آنها داشته باشم.

زمینه های حملات اسیدپاشی بر روی زنان

زمینه های حملات اسیدپاشی بر روی زنان برکسی پوشیده نیست. مدتهاست که داد و هوارشان بر اینکه چیزی به اسم حجاب در جامعه به جا نمانده بالا گرفته است. در عکس العمل به این وضعیت، طرح پشت طرح در دستور حکومت قرار گرفت. با انواع و اقسام تمهیدات سرکوبگرانه وارد عمل شدند. در مجلس اسلامی کمیسیون پشت کمیسیون تشکیل

دادند و بحث و گفتگو به راه انداختند. خط و نشان کشیدند و هشدار دادند. حتی عرصه برایشان آنقدر تنگ شد که غلامعلی حداد عادل، نماینده مجلس، به طرز مسخره ای از پرداخت "یارانه حجاب" برای تشویق استفاده از "پوشش اسلامی" سخن گفت. و وقتی هم که دیدند هوا پس است آخرین راهکارشان در دستور گذاشتن "طرح حمایت از آمرین به معروف و ناهیان از منکر" در مجلس بود که همزمان با اسیدپاشی های اخیر صورت گرفت. اما بعد از همه این تلاش ها نیز آخرین حرفشان این بود که حجاب نظام را به لبه پرتگاه کشیده است.

بدین ترتیب از اتمه جمعه گرفته تا تک تک سران حکومت بر سر مساله "حجاب" اظهار نظر کرده و هشدار داده اند. فرماندهان ارشد حکومتی چون احمدی مقدم و رادان ها آمدند و از کارنامه شکستشان در برخورد به حجاب و طرحهای "امر به معروف و نهی از منکرشان" سخن گفتند. نامه اعتراضی ۱۹۵ نماینده مجلس و هشدار آنان به روحانی در مورد وضعیت حجاب در جامعه در تیرماه امسال به عنوانی خطری برای چالش های گسترده در عرصه مهم "فرهنگی عمومی"، و اعتراف احمد سالک کاشانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در گفت و گو با خبرگزاری مجلس اسلامی در همان هنگام مبنی بر عدم توفیق اجرای طرح "عفاف و حجاب" توسط ۲۴ نهاد سرکوب حکومت اسلامی، نمونه های بارزی از این دست اعترافات است. قبلا هم احمدی مقدم یکی از جنایتکارترین فرماندهان نیروی انتظامی در آخار سال ۹۲ با گفتن اینکه نمیتوانیم مانند عربستان افرادی را استخدام کنیم، چوب دستشان دهیم و بگوئیم مردم را امر به معروف و نهی از منکر

کنید، به روشنی پرده از عجز حکومت برداشت.

در مقابل این عجز و لایه ها ما شاهد این هستیم که خیابانها به صحنه جدال جانانه زنان با آمرین به معروف حکومتی تبدیل شده و زنان و جوانان معترض با آنان درگیر میشوند و حسابشان را کف دستشان میگذارند. سه مورد آن در مرداد سال ۹۲ در خیابان پویک تهران و خانی آباد و شیراز روی داد که به بحث داغی در سطح جامعه و در درون حکومت تبدیل شد. در هر کدام از این موارد هنگامیکه آمرین به معروف مزاحم زنانی شدند که عملا حجابشان را کنار زده بودند، با تعرض آن زنان روبرو شدند. در مورد پویک زن "بدحجاب" در مقابل رفتار اهانت آمیز مزدور رژیم با او درگیر شد و با فریاد اینکه همه جا را به خرابی کشیده اید، و خودم چادر را از سرت پائین میکشم مورد حمله قرار گرفت.

خلاصه اینکه موضوع حجاب يك عرصه دائمی اعتراضی مردم با رژیم اسلامی در طول سی و چند سال حاکمیت این رژیم بوده و وضعیت حجاب در جامعه امروز به جایی رسیده است که دیگر چیزی از آن به جا نمانده است و این پرچم حکومت آپارتاید جنسی در ایران است که به چنین وضعی دچار شده است.

انعکاس این کشاکش را در نزاعهای درون حکومتی به روشنی میتوان دید. از جمله، مساله حجاب هم در دولت احمدی نژاد و هم امروز در دولت روحانی يك موضوع مهم نزاع در درون حکومت بوده است. و در دل این کشاکشها و اظهاراتشان اوج استیصال و درماندگی حکومت را می بینیم. بطور مثال روحانی در سخنرانی معروفش مبنی بر اینکه بگذاریم مردم خودشان راه بهشت را انتخاب کنند، "نمی توان با زور و شلاق مردم

را به بهشت برد"، وارد این مجادله شد. اما دیدیم که سخنان او با واکنش شدید احمد خاتمی، امام جمعه تهران، تحت عنوان اینکه "رسالت و وظیفه حکومت دینی این است که جاده را هموار کند برای بهشتی شدن مردم" روبرو شد. بعد هم احمد علم الهدی امام جمعه مشهد با گفتن اینکه "با شلاق که سهل است، با همه قدرت جلوی کسانی که مانع بهشت رفتن مردم شوند خواهیم ایستاد" فتوای خود را مبنی بر تعرض بر زنان صادر کرد.

نتیجه گسترش همین کشاکش هاست که اوپاش انصار حزب اله روز ۱۸ شهریور سال جاری علناً زنان را تهدید کرده و اعلام کرده بودند که عملیات علیه بی حجابان باید به گونه ای باشد که مفسدان را که "به دلیل فضای تسامح حکومتی تجری یافته اند، منکوب و حامیان آنان را از صحنه عمل حذف شوند". اما وزارت کشور جمهوری اسلامی بيمناک از دست دادن کنترل اوضاع، آنرا اقدامی بدون مجوز و غیر قانونی خواند. در همین فضا و کشاکش ها امام جمعه ها و رسانه های حکومتی امثال کیهان در کنار هشدارهایشان اوپاش خود را به جنایت علیه زنان بسیج کرده و اعلام نمودند که مساله حجاب از تذکر لسانی باید فراتر برود. در همین راستا امام جمعه شهر اصفهان اعلام کرد "باید علیه بیحجابی چوب تر را بیرون کشید و از قوه قهریه استفاده کرد". وحشتشان را به روشنی در این هشدار دادن ها و به جان هم افتادن های این حکومت به روشنی میتوان دید.

البته این اتفاقات در حالی صورت میگیرند که جامعه در التهاب مبارزه است و کارگران و مردم معترض با جنبش های اعتراضی شان دارند به جلو می آیند. از جمله اعتراضات کارگری هر روز گسترده تر میشود و نمونه ای چون آنچه در معدن بافق یزد روی داد و به مدت بیش از یک ماه شهری را به تحرك درآورد، خود يك الگو است. همچنین جنبش علیه اعدام، جنبش علیه آلودگی محیط زیست و اعتراضات دیگر مردم بر سر خواست های برحق انسانی شان

دارد قد علم میکند.

اینها همه حکایت از فضای رزمنده جامعه و استیصال حکومت است. طرحهای دولت روحانی که قرار بود بار تحریم ها را تخفیف دهد، و شکوفائی ای به اقتصادشان دهد، به ته خط رسیده است و آمارهای خود حکومتی از ابعاد گسترده تر فقر، گرانی و بیکاری در جامعه سخن میگویند. و این شرایطی است که کل جامعه را به مرز انفجار کشانده است. در دل چنین شرایط و تقابل، میتوان زمینه های واقعی تهاجم جدید حکومت اسلامی و اسیدپاشی بر روی زنان را دید. این چیزی است که مردم ایران نیز بر آن واقفند. مردم تجربه قتل های زنجیره ای در دولت خاتمی و در مشهد و کرمان را دارند و اسیدپاشان را خوب می شناسند. مردم این را در شعارهایی چون اسیدپاش داعشه، قوانین ضد زن نمیخواهیم، مرگ بر اسیدپاش، ایران عراق نمیشه را اعلام داشتند.

مبارزات گسترده

علیه اسیدپاشی

اسیدپاشی علیه زنان با واکنش اعتراضی سریع جامعه پاسخ گرفت. تجمعات اعتراضی در روزهای ۳۰ مهر و ۳ آبان ماه در شهرهای مختلف اصفهان، تهران، مشهد، سقز، پیرانشهر، شیراز، کرمانشاه، تبریز، و کشیده شدن دامنه اش به دانشگاهها، از جمله دانشگاههای اصفهان، نوشیروان بابل، تهران و پلی تکنیک، رژیم را حسابی به وحشت انداخت. همچنین از درون زندانها ۱۴ نفر از زندانیان سیاسی از جمله بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی و رسول بدآغی، از کارگران و معلمان زندانی در زندانی رجائی شهر، با بیانیه خود و حتی با شعر خشم و انزجارشان را به جنایت اسیدپاشان جنایتکار اعلام داشتند. زیر فشار این اعتراضات تک تک سران حکومت و مقاماتشان ناگزیر به عکس العمل شدند. کسانی چون امام جمعه اصفهان که خود فتوای بکار گیری قوه قهریه را داده بودند اسیدپاشی بر روی زنان را محکوم و به طرز مسخره ای آنرا کار عوامل "ضد انقلاب" برای مخدوش کردن چهره "اسلام" و "حکومت اسلامی" خواندند. تکذیب کردن ها شروع شد. همگی به لکنت زبان افتادند و

جنایت اسیدپاشی و جواب محکم مردم به حکومت اسلامی

کیان آذر

از ماهها قبل ما شاهد بی حجابی عملی زنان در جامعه بوده ایم و هفته به هفته جوانان و زنان ایران بصورت گسترده تری فرهنگ مورد علاقه خود را عملی میکنند و در واقع قوانین، فرهنگ و مقدسات حکومت را زیر پا میگذارند. در عمل شاهد پیشروی جنبش زنان در مقابل بیحقوقی های تصویب و اجرا شده توسط حکومت بوده ایم. در مقابل این روند جمهوری اسلامی نمیدانست که چه واکنشی باید از خود نشان دهد. جناحی میگفت باید انصار حزب الله و موتورهایشان به خیابانها بیایند و جلوی این مسئله بایستند، بخشی میگفت که باید گشت های ارشاد را باید بیشتر کرد و مانع بی حجابی زنان در اماکن عمومی شد. عملا با تهدیدها و نعره کشیدنهای امام جمعه ها و سران نیروهای انتظامی و امنیتی، حکومت بیشتر از قبل درماندگی خود را در برابر زنان و مردم نشان میداد.

شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود با توجه به پانزده ماهی هم که از عمر دولت روحانی میگذرد نه تنها تفاوتی با دوره احمدی نژاد نکرده بلکه از جهاتی بدتر هم شده و زندگی مردم بیش از

پیش به ورطه نابودی و سقوط و از همپاشیدگی کشیده شده، و علیرغم تلاش شبانه روزی مردم برای داشتن حداقل ها در زندگی، شرایط بسیار سختی را بر زندگی میلیونها نفر حاکم کرده اند. ادامه این وضعیت برای مردم غیرقابل تحمل است و همه بخشها برای تغییر وضعیت موجود دست به تلاش و مبارزه گسترده تر و همه جانبه تری میزنند. از یک سو احتمال کوتاه آمدن حکومت در برابر دولت های غربی آنها را در موقعیت شکننده تری قرار داده است. در گوشه ای دیگر از خاورمیانه مردم کویانی با چنگ و دندان از زندگی و مدنیت خود در برابر داعش دفاع میکنند و سمبل از مقاومت و پایداری را نشان مردم منطقه و دنیا داده اند که به مردم معترض ایران هم روحیه بیشتری داده است و مبارزه طلبی مردم ایران را تقویت کرده است. تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف ایران در حمایت از مبارزات مردم کویانی هم انعکاس این مسئله بود.

خشونت و ضدزن بودن جزو هویت حکومت اسلامیست و همیشه خشونت و جنایت استراتژی حکومت در برابر مردم بوده است. حکومت در برابر مبارزات از

جامعه ایران که در بالا تصویر کردم باز راه همیشگی را رفته و دست به جنایتی دیگر زد، یعنی اسیدپاشی به زنان برای مرعوب کردن کل جامعه و عقب راندن زنان و مردم ایران. اما واکنش اعتراضی و وسیعی که مردم بلافاصله انجام دادند جواب محکمی بود که به حکومت داده شد، بطوری که همان امام جمعه ها و مجلسی ها و دیگر سران حکومت که به اشکال مختلفی گفته بودند باید کاری غیر از تذکر زبانی انجام داد به غلط کردن افتادند و مجبور به عقب نشینی شدند و زیر حرفهایشان زدند. حکومت هم در حالتی تدافعی میخواست که مردم اعتراضات را ادامه ندهند. حتی دست به اعدام ریحانه جباری زد بلکه مردم را به عقب براند.

این رویدادها نشاندهنده دوره جدیدی از تلاش مردم برای تغییر وضعیت موجود است. در این دو رویداد آخر مستقیما جوانان و زنان در برپایی تجمعات و سازماندهی آن نقش مستقیم و اصلی داشتند. ما شاهد بودیم که بخشهای مختلف جامعه، از بیانیه کارگران در برابر این مسئله تا دخالت فعالانه دانشجویان و نیز سازماندهی جوانان و زنان در سطح

شهرها برای ایجاد تجمعات اعتراضی علیه اسیدپاشی ها، از بروزات ایندوره است. ما یکبار دیگر دیدیم بصورت سراسری و هماهنگ و بصورت گسترده، شهرها و دانشگاه های ایران اعتراض وسیع و واحدی را علیه حکومت پیش بردند. ابزار سازماندهی و اطلاع رسانی این اعتراضات اینترنت و شبکه های اجتماعی بود. اینبار مردم مستقلا بدون واسطه دست به اعتراض زدند و مقابل حکومت عرض اندام کردند. جوانان، زنان و مردم شبکه هایی را در سطوح مختلف بوجود آورده اند و از طریق همین شبکه ها اطلاع رسانی و سازماندهی میکنند و از همین راه توان انجام سازماندهی چنین اعتراضاتی در شهرهای مختلف را بدست آوردند و این یکی از دستاوردهای ایندوره است. باید این دستاورد را حفظ کرد و روی آن اقدامات بعدی را تدارک دید. این رویکردی که در بالا به آن اشاره کردم دقیقا نقطه ضعف جمهوری اسلامیست. برای همین تمام سعی اش را میکند تا جلوی آزاد بودن اینترنت و ارتباط مردم با هم و انتقال اطلاعات را بگیرد. جلوی همبستگی و متشکل شدن مردم را بگیرد.

باید در ادامه همین رویکرد، جامعه به سازماندهی و متشکل کردن خود ادامه دهد. باید ارتباطات را وسیعتر و قویتر کرد. تقویت این شبکه ها و ارتباطات از یک طرف و بموزات آن فعالیت و اعتراض حول عرصه ها و موضوعاتی که به زندگی و تحصیل و کار مردم مربوط است و توسط حکومت زیر ضرب قرار میگیرد را باید در دستور کار گذاشت. بعد از اعتراضات سال ۸۸، علیرغم اینکه تاثیرات عمیقی روی جامعه و خاورمیانه و جهان گذاشت و جمهوری اسلامی را در موقعیت بسیار ضعیف تری قرار داده است اما منجر به سرنگونی حکومت نشد و مردم موفق به ادامه تظاهراتهای پی در پی و گسترده و سراسری خود نشدند و خواست مردم برای سرنگونی نیمه تمام ماند، در حال حاضر بار دیگر ایندوره دوره تعرض به حکومت است. توازن قوا مجددا تغییر کرده و این فرصت و بستر آن کاملا آماده است که بار دیگر شاهد تعرض همه جانبه مردم به حکومت باشیم.*

از صفحه ۷

حکومت اسیدپاشان ...

در برابر مردم خشمگین وعده رسیدگی به این جنایات را دادند. از جمله يك عكس العمل كثیف این جنایتكاران اعدام ریحانه جباری، دختر جوانی که زندگی او سمبل ستم دیدگی زن در حاکمیت رژیم اسلامی و تن ندادن به بردگی جنسی است، در همان روزی که مردم در شهرهای مختلف ایران برای اعتراض علیه اسید پاشی آماده می شدند بود. حکومت اسلامی ریحانه را اعدام کرد تا توجه ها را از مساله اسید پاشی به

زنان و اعتراض علیه آن به سمت و سوی دیگری بکشد. اما ریحانه که خود چهره ای بود تسلیم نشدنی و شناخته شده در سطح جهانی، اعدامش خشم مردم را بیشتر دامن زد و انعکاسش نیز جهانی بود.

کجا ایستاده ایم؟

هنوز کار پایان نگرفته است. در اعتراضات اخیر مردم علیه اسیدپاشان حکومت دستگیری هائی صورت گرفت. حکومت اسلامی رجزخوانی میکند، تا با اینکار مردم را از ادامه مبارزاتشان پس بزند. آزادی دستگیر شدگان اعتراضات اخیر، معالجه و درمان رایگان قربانیان اسید پاشی، جمع شدن بساط آمرین به معروف و ناهیان از منکر رژیم است. به عبارتی دیگر، حکومت اسلامی اسید پاشی میکند تا دیگر اعتراضاتش را نیز به زندگی و

معیشت کارگران و مردم به پیش برد. با تجمعات اعتراضی در مقابل نهادهای حکومتی مثل مجلس اسلامی مقابل این تعرضات بایستیم و خواستار لغو همه این طرح ها و مصوبات جنایتکارانه شان شویم. حول خواستهای مشترکمان متحد شویم و سنگر به سنگر این حکومت را عقب بزنیم. کل بساط حکومت آپارتاید جنسی اسلامی و قوانین ارتجاعی و دم و دستگاه قضائی و ماشین جنایت و سرکوبش باید جارو شود. هنوز در آغاز این راهیم.*

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

"حقوق بشر اسلامی"، توحش مقدس!

ریحانه چهره هزاران اعدامی بیگناه است!

موقعیت ما بعنوان حکومت (در موضوع قصاص)، میانجیگری برای گرفتن رضایت از اولیای دم مقتول است، اما متأسفانه کمپینی که از سوی رسانه‌ها و سیاستمداران غربی برافشاد کاملاً این فضا را مسموم کرد و تلاش‌ها برای گرفتن رضایت از اولیای دم را ناکام گذاشت. - محمد جواد لاریجانی

این نوشتن اعدام ریحانه پبیای مبارزه برای آزادی او از توجیحات و قبیحانه و ناشیانه قاتلین ریحانه، از خود حکومت تا طرفداران دوحرداری نظام اسلامی است. جمهوری اسلامی حکم اعدام ریحانه را با نقض ابتدائی ترین اصول قضاوت و علیرغم شواهد و ادله متعدد صادر کرده است، در روز تظاهرات علیه جنایت اسید پاشی و برای مرعوب کردن و زهر چشم گرفتن از مردم معترض به این جنایت، ریحانه را اعدام کرده است و بعد به عذر بدتر از گناه قصاص و عدم رضایت خانواده مقتول متوسل میشود! طناب دار را بدست خانواده مقتول میدهند، با هزار ترفند و اعمال فشار پنهانی و علنی شرایطی ایجاد میکنند که خانواده رضایت ندهد، و بعد خانواده مقتول را به جامعه معترض به اعدام نشان میدهند! چنان از قصاص صحبت میکنند که گوئی منشا آن نه انتقامجویی خونی و عشیرتی در جوامع بدوی هزار و چهار صد سال قبل، بلکه آخرین دستاوردهای علم قضا در قرن بیست و یکم است! همین نوع توجیحات رسوا و خودافشاگرانه در مورد اعدام ریحانه نشاندهنده حقانیت و تاثیرات جنبش جهانی علیه اعدام اوست. جنبش برای آزادی ریحانه اعدام او را سالها به عقب انداخت، مقامات حکومتی را به هذیان گوئی وادار کرد، و موجب رسوائی و بی‌آبرویی هر چه بیشتر جانان حاکم شد.

در شش ماه گذشته چهار صد نفر در ایران اعدام شده اند. اعدام قتل عمد دولتی است و مستقل از مورد جرم باید در همه جا ممنوع شود. اما در جمهوری اسلامی مساله صرفاً مجازات اعدام نیست بلکه فاجعه اینست که بیگناهان اعدام میشوند. این چهار صد اعدامی، همانند ده‌ها هزار قربانی سیستم آدمکش قضائی اسلامی، یا اصلاً جرمی مرتکب نشده‌اند (مانند پرونده های مخالفین حکومت، زندانیان سیاسی، زنا و همجنس گرایی و غیره و غیره) و یا اگر جرمی مرتکب شده‌اند کیفر درخور جرمشان، حتی بنا بر قوانین کشورهایی که در آنها مجازات اعدام وجود دارد، اعدام نیست. نه تنها اعدامیان بلکه همه محکومین در جمهوری اسلامی از نظر حقوقی بیگناه محسوب میشوند. سیستم قضائی مبتنی بر قصاص و انتقامجویی و "علم قاضی" و قوانین شرعی عهد عتیق بنا به ماهیت خود نه تنها قادر به اثبات هیچ جرمی نیست، بلکه سیستم جنایت و حق کشی و بیعدالتی است. ریحانه و ریحانه‌هایی که در اثر مبارزه علیه اعدام به چهره‌ای جهانی تبدیل میشوند این قربانیان خاموش جنایت سیستم قضائی جمهوری اسلامی را نمایندگی میکنند. کمیته بین‌المللی علیه اعدام تا کنون توانسته است محکومینی را از اعدام نجات بدهد و در مواردی هم مثل پرونده ریحانه، گرچه توانسته است اجرای اعدام را به عقب بیاورد، موفق به نجات قربانی نشده است. اما در هر صورت یک دستاورد این جنبش افشا و رسوائی و محکومیت جهانی جانین حاکم در ایران و نمایندگی کردن هزاران قربانی ناشناس سیستم جنایت قصاص اسلامی است. اعدام ریحانه‌ها این جنبش را خاموش نمیکند، تعرضی تر و قویتر و گسترده تر میکند.*

پس از روی کار آمدن حسن روحانی تعداد اعدامها در ایران افزایش پیدا کرده و وضعیت زنان و خامت یافته است. ... همچنان حقوق اولیه مخالفان حکومت به صورت گسترده نقض میشود و رقم اعدامها بسیار بالاست. ... در شش ماه اول سال جاری میلادی بیش از ۴۰۰ نفر در ایران اعدام شده‌اند که ۸ نفر از آنها کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند. - از گزارش احمد شهید در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران

"... این سخنان باعث نمیشود ایران از مسیر قه خود منحرف شود و آنچه در ایران میگذرد حقوق بشری اسلامی است که پیشرفته ترین حقوق است." - علی اکبر ولایتی

کار جمهوری اسلامی از نقض حقوق بشر گذشته است. این حکومت خود بشر و نفس زندگی انسانی را نقض و پایمال میکند. مساله تنها بر سر آمار تصاعدی اعدامها نیست بلکه اعدام بیگناهان است. مساله صرفاً نقض حقوق زنان نیست بلکه اسید پاشی به زنان است. مساله صرفاً نقض حقوق مخالفین نیست بلکه پیگرد و دستگیری و شکنجه و اعدام

مخالفین است. نقض حقوق بشر، در مقایسه با جنایات هر روزه این حکومت يك نوع تخفیف و تلطیف مساله به نظر میرسد.

ولایتی از جنایت دولت متبوعه اش تحت عنوان حقوق بشر اسلامی دفاع میکنند. ما هم این را میپذیریم. قصاص و سنگسار و شلاق و قطع دست و پا و اسیدپاشی و اعدام های تصاعدی بیگناهان و نوجوانان زیر هجده سال را باید پبیای "حقوق بشر اسلامی" نوشت. اما این تنها ظرفیتهای ضد انسانی اسلام را برملا میکند و بس. این پیشرفته ترین حقوق "جناب ولایتی از عقب مانده ترین مناسبات عشرتی هزار و چهار صد سال قبل نشات میگیرد که حتی از سطح تمدن عصر خود نیز برآب عقب تر و ارتجاعی تر بود. مذهب اسلام همانند دیگر مذاهب به این عقب ماندگیها تقدس بخشیده و تا به امروز حفظ کرده است. تسویه حساب با این توحش مقدس اولین شرط تحقق حقوق انسانی در هر جامعه ای است.*

برای مبارزه طبقه کارگر و نیروهای کمونیست در این کشورها فراهم می‌آورد، بلکه امر مذهب زدائی در دیگر کشورهای منطقه را نیز تسهیل میکند. کنار زدن مذهب در کنار سرنگون شدن دیکتاتوریهای چند دهساله در اثر انقلابات بهار عرب، گام مهمی در جهت تسهیل و تعمیق مبارزه طبقاتی بین کمپ کار و سرمایه در این کشورها و در کل منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است.*

کنار زده شد و حزب نهضت با انتخابات.

قدرتهای حاکم در مصر و تونس ارگان و نماینده واقعی انقلابات این کشور نیستند اما بر زمینه گرایش و تمایل سکولاریستی در انقلابات این کشور بقدرت رسیده‌اند. مبارزه برای بزیر کشیدن این دولتها همچنان در دستور نیروهای چپ و آزادیخواه در این کشورها قرار دارد، و بیرون راندن مذهب از حکومت این امر را تسهیل میکند. مذهب زدائی از دولت و قوانین نه تنها شرایط مساعدتری

شکست اسلاميون در تونس، گامی به پیش!

"زن مکمل مرد است" بجای برابری زن و مرد که با اعتراض توده ای زنان و مردم تونس روبرو شد و تلاشهای اخوان المسلمین برای اجرای قوانین شریعه در مصر بروشنی نشان داد که تا آنجا که به حقوق و آزادیهای مردم مربوط میشود فرق چندانی میان اسلام میانه رو و افراطی وجود ندارد. علیرغم تأیید و حمایت غرب، اخوان المسلمین با جنبش ترمرد

اکثریت کرسی‌ها را در دست داشت. رسانه‌های غربی غنوشی و حزب او را يك نیروی اسلامی میانه رو میدانند. همانطور که اخوان المسلمین را میانه رو قلمداد میکردند. دولتهای غربی با این "میانه روها" مشکلی ندارند و آماده‌اند تا آنانرا بعنوان جانشینان دیکتاتورهای سرنگون شده بپذیرند اما مردم آنها را نمیپذیرند. تلاش حزب نهضت برای گنجاندن عبارت

شکست اسلاميون از سکولارها در انتخابات پارلمانی تونس گام دیگری در روند اسلام زدائی از جوامعی است که تجربه انقلابات بهار عربی را پشت سر گذاشته‌اند. این تحول را باید در کنار شکست اخوان المسلمین در مصر جزو دستاوردهای انقلابات منطقه به شمار آورد. بعد از انقلاب تونس حزب اسلامی نهضت به رهبری غنوشی در مجلس موسسان

تظاهرات در شهرهای مختلف علیه اسیدپاشی از اطلاعیه های حزب

روز سوم آبان در اعتراض به اسیدپاشی به زنان توسط دار و دسته های جمهوری اسلامی، در بسیاری از شهرها اعلام تظاهرات شده بود. اوباش حکومت نیز در آماده باش بودند تا به هر شکل شده مانع شکل گیری تجمعات و تظاهرات شوند. علیرغم این فضای سنگین امنیتی جوانان و مردم معترض و آزادیخواه در تعدادی از شهرها دست به تجمع زدند، شعار دادند و اعتراض خود را به اسیدپاشی حکومتی ها و به اعدام ریحانه اعلام کردند.

اصفهان:

فضای اصفهان حالت شدیداً اعتراضی به خود گرفته است. طبق گزارشات متعددی که به ما رسیده است تعداد قابل توجهی از مدارس دخترانه به حالت تعطیل درآمده است. در دانشگاه اصفهان عده زیادی از دانشجویان از رفتن به دانشگاه خودداری کرده اند. حدود ۵۰ درصد کلاس ها تعطیل است و بقیه کلاس ها نیز با تعداد کمی دانشجو تشکیل شده است. حراست دانشگاه شدیداً ورود و خروج دانشجویان را کنترل میکند.

مغازه های میدان امام علی، سبزه میدان، شهدا و خیابان شریف واقعی تعطیل است.

هزاران نفر از مردم خود را برای تظاهرات آماده کرده و از ساعت ۱۲ در اطراف دروازه دولت و چهارباغ و خیابان های اطراف حضور داشتند. ساعت یک خیابان چهارباغ پایین پر از مامور بود. تعداد زیادی از ماموران نیز مقابل شهرداری مستقر شده بودند.

مسیرهای منتهی به دروازه دولت هم خیلی امنیتی بود و پر از ماموران سرکوب. بعضی ها در چهارباغ و خیابان های اطراف ماندند و نتوانستند خود را به دروازه دولت برسانند. ولی تعداد مردمی که در دروازه دولت بودند چشمگیر بود. مردم شعار میدادند و ماموران توان متفرق کردن مردم را نداشتند، شروع به گاز اشک آور کردند. تعداد زیادی از بچه ها باتوم خوردند و چند نفر دستگیر شدند. تعدادی از عکس های ریحانه در دست مردم بود. زمانی که کسی میخواست عکس و فیلم بگیرد درگیری شدت می یافت. چند نفر از کسانی که مشغول عکس و فیلم بودند دستگیر شدند. تلاش ماموران این بود که تجمع امروز هیچ بازتابی پیدا نکنند. با حمله مزدوران حکومت، مردم به خیابانهای اطراف دروازه دولت پناه بردند و سپس در خیابان سپه شروع به شعاردادن کردند. درگیری میان جوانان و اوباش حکومت تا ساعت ۲ و نیم ادامه یافت.

روحیه مصمم و رزمنده امروز حاکم بر جوانان و مردم اصفهان حاکی از زمینه های وسیع اعتراض بود.

شهر کرد:

دانشجویان در اعتراض به اسیدپاشی در حال اعتصابند و دانشگاه به حال تعطیل درآمده است.

مغازه های خیابان بلوار کاشانی، سعدی، بلوار حافظ شمالی، تمامی میرآباد شرقی و غربی، خیابان ملت و فارابی تعطیل

شیراز:

ساعت یک و نیم در اطراف فلکه شهرداری جوانان و مردم دست به تجمع زدند و شروع به شعار دادن کردند. مردم زیادی در خیابانهای اطراف حضور داشتند تا خود را به تجمع برسانند. مزدوران با بستن تعدادی از خیابانها و حمله به تجمع اعتراضی مانع پیوستن جمعیت به تظاهرات شدند. تعدادی از جوانان دستگیر شدند.

رشت:

دانشجویان دانشگاه رشت در مقابل ساختمان علوم پایه دست به تجمع زدند. پس از نیم ساعت نیروی انتظامی وارد عمل شد و ۲ نفر را دستگیر کرد. دانشجویان به سمت پارک محتشم (شادی) رفتند و در آنجا مشغول شعار دادن شدند. در تجمعات روز سوم آبان در

کردند، از ورود مردم به پارک خودداری کردند و سپس با جوانان درگیر شدند. چند نفر از جوانان دستگیر شدند.

دانشگاه بابل:

دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل روز یکشنبه ۴ آبان در اعتراض به اسیدپاشی عوامل حکومت بر صورت زنان دست به تجمع زدند. دانشجویان پلاکاردهایی حمل کرده و شعار می دادند: امنیت، آزادی، حق مسلم ماست، قوانین و طرحهای ضد زن ملغی باید گردد، خشونت علیه زنان را متوقف کنید.

دانشگاه پلی تکنیک تهران:

روز شنبه همزمان با تظاهرات در شهرهای مختلف جمعی از دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک تهران با تجمع خود به این حرکت سراسری علیه رژیم پیوستند. دانشجویان با در دست داشتن



تهران، اصفهان و شیراز حداقل ۱۰ نفر دستگیر شده اند.

مشهد:

طبق گزارشی که که از مشهد دریافت کرده ایم ساعت ۱۲ ظهر تعداد کثیری از زنان و جوانان در پارک ملت مشهد علیه اسیدپاشی توسط انصار و اوباش حکومت دست به تجمع اعتراضی زدند. در حالیکه به جمعیت لحظه به لحظه اضافه میشد، مامورین رژیم تدبیر و اسید شروع به محاصره پارک

اهواز:

تعدادی از جوانان و مردم اهواز در ساعت چهار و نیم مقابل دادگستری دست به تجمع زدند و شعار دادند: اسید پاشی محکوم، اسید پاش داعشه. نیروی انتظامی بلافاصله شروع به متفرق کردن جمعیت کرد و هر چند نفری که جمع میشدند را پراکنده میکرد.



همچنین در میدان انقلاب بیش از ۱۰۰ نفر از دختران جوان که عمدتاً دانشجو بودند ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه ۴ آبان علیه جنایت اسیدپاشی و اعدام ریحانه دست به تظاهرات زدند. نیروهای سرکوبگر برای جلوگیری از گسترش اعتراضات خیابانهای منتهی به



اعتراض ۱۴ نفر از زندانیان سیاسی زندان گوهر دشت در همدردی با قربانیان اسید پاشی

چهارده نفر از زندانیان سیاسی سالن ۱۲ زندان گوهر دشت کرج در همدردی با قربانیان اسیدپاشی های اخیر در اصفهان روز شنبه ۳ آبان دست به اعتصاب غذا زدند. زندانیان در نامه ای اعلام کرده اند:

زنان قهرمان سال هاست توسط حکومت به صورت مستقیم و غیران و خشن سرکوب می شوند. نداشتن استقلال اجتماعی، حجاب اجباری، محرومیت از دروس دانشگاهی خاص... و البته صدها محرومیت دیگر در قانون اساسی تنها بخش کوچکی از اقدانات خشونت آمیز اعمال شده علیه زنان است که سالهاست به صورت سیستماتیک و کاملاً کانا لیزه شده علیه زنان اعمال می شود.

زندانین سیاسی امضا کننده این نامه عبارتند از: رضا اکبری منفرد، محمد امیر خیزی، بهنام ابراهیم زاده، خالد کردانی، افشین حیرتیان،

صالح کهندل، ابوالقاسم فولادوند، شاهرخ زمانی، سعید ماسوری، محمدعلی منصور، اسدالله هادی، لطیف حسینی، افشین بایمانی و میثاق یزدان نژاد.

پیام جمعی از کارگران منطقه پارس جنوبی در حمایت قربانیان اسید پاشی و اعتراضات علیه آن

زنان در پاکستان و افغانستان به جرم تحصیل هدف گلوله قرار میگیرند و در ایران به جرم انتخاب آزادانه پوشش و حضور اجتماعی با اسیدپاشی ایادی حکومت روبرو میشوند. شکی نیست خشونت علیه زنان از بارزترین صفات حاکمین است. حکومت همواره مردسالاری و بهره کشی و نادیده گرفتن حقوق زنان بعنوان نیمی از جامعه انسانی را بازتولید و تشدید میکند. مبارزه ما کارگران بهیچوجه جدا از مبارزات و حق خواهی زنان نبوده و نیست. کارگران ایران نیز تحت ستمهای شدید از جمله نداشتن تشکلهای مستقل کارگری؛ عدم ایمنی و بهداشت در محل کار؛ حداقل دستمزد بدون آزادی حق اعتصاب

علیه زورگویی کارفرمایان و... قرار دارند.

ما کارگران منطقه پارس جنوبی ضمن محکوم کردن اسیدپاشی که مطمئناً توسط عوامل حکومت پوسیده اسلامی انجام شده همبستگی و همگامی خود را با زنان مبارز ایران اعلام میکنیم و از تمامی زنان- دانشجویان و مردم برابری خواه ایران میخواهیم برای رفع کامل محدودیت های ارتجاعی علیه زنان بپاییزند.

بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه اصفهان و تهران

ما، جمعی از فعالین دانشجویی دانشگاه اصفهان و دانشگاه تهران، عمل وحشیانه اسیدپاشی سیستماتیک بر صورت زنان در اصفهان را محکوم کرده، حمایت خود از تجمعات اعتراضی اخیر در اصفهان و تهران را ابراز نموده و همبستگی خود، با جنبش زنان و سایر جنبش های آزادی خواه و برابری طلب اجتماعی را اعلام می داریم.

این پدیده بر آمده از سیاست هایی ضدانسانی حکومت است که

این بار نمودش را بر صورت و تن زنان در اصفهان می توان یافت. آن طورکه حافظه تاریخی جمعی ما گواه می دهد، چنین امری آغاز سرکوب زن در جامعه نبوده، لیکن تداوم و یا پایان آن تنها منوط به واکنش جنبش های اجتماعی در یک صدای اعتراضی نسبت به چنین اعمال وحشیانه و قرون وسطایی خواهد بود.

اعلام موضع و محکوم ساختن اسید پاشی ها در اصفهان، کم ترین سطح واکنش نسبت به چنین پدیده ای است، علیرغم این، انفعال و عدم موضع گیری شفاف سران دولت و هم چنین عدم وجود اراده برای دستگیری و مجازات عاملان این پدیده و از همه مهم تر آمران آن، که هویت و کیستی آمران این عمل ارتجاعی اظهر من الشمس است و بهانه جویی زمان بر بودن شناسایی آنها بی اساس و واهی است- نشانگر ارگانیکستی بودن چنین سیاستی در جمهوری اسلامی بوده و بیش از هر زمان دیگری روشنگر آنست که اعتدال دولت امید از شیشه های اسید و تدبیرش از چشمان بدون سوی زنان بر می خیزد.

از سوی دیگر هر انسان آگاه و

آزاده ای با شنیدن خبر اعدام ریحانه جباری قلبش به تنگ آمده و مشتتش را در هم می فشارد. این دو رویداد، ماهیتا ضد انسانی و ضد زن می باشند و در جایی که دفاع از خود برای يك زن، پاسخش چوبه ی دار است، بی تردید انتخاب نوع پوشش و نه به حجاب اجباری پاسخی جز اسید به همراه نخواهد داشت. نکته قابل توجه اینست که این واکنش ضدانسانی از سر استیصال در برابر زنان و جوانان و بیحجابی عملی زنان است و اعتراضات مردم در شهرهای مختلف علیه اسیدپاشی ها جواب کوبنده ای به حاکمین بوده که این پیام را به آنها میدهد که نمیتوانند دست به این جنایات بزنند و جامعه جلوی آنها خواهد ایستاد.

ما به عنوان بخشی از جنبش دانشجویی عمیقاً بر این باوریم در مسیر مبارزه تا لغو تمامی قوانین ضد زن می بایست گستردگی اعتراضات مردمی و اعتصاب عمومی، تداوم یابد.

سوم آبان ۱۳۹۳

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری، شما کارگران و دانشجویان و معلمان، شما مردم آزادیخواه آذربایجان را برای شرکت گسترده تر در تظاهرات علیه اسیدپاشی حکومت اسلامی فرا میخواند. باید به هر طریق ممکن در مقابل این تعرض جنایتکارانه حکومت علیه زندگی زنان ایستاد. باید این وحشیگری حکومت اسلامی برای ترساندن مردم را به ضد خود تبدیل کرد. شهرهای آذربایجان باید در کنار سایر شهرهای ایران به محل نمایش قدرتمند در مقابل اسیدپاشی تبدیل شود.

سرگون باد جمهوری اسلامی کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران جمعه ۲ آبان ۱۳۹۳، ۲۴ اکتبر ۲۰۱۴

همینجا از ترس گسترش اعتراضات مردم، سران حکومت و امامان جمعه شان به وحشت افتاده اند. امام جمعه اصفهان که گفته بود: "آتهایی که برای مقابله با بدحجابی باید چوب تر را بالا برد و از نیروی قهریه استفاده کرد"، الان به غلط کردن افتاده است.

مردم شریف آذربایجان، کارگران، زنان و جوانان آزادیخواه فردا شنبه در اصفهان فراخوان اعتصاب عمومی داده شده است. در بسیاری از شهرهای ایران از جمله ارومیه و تبریز فراخوان تظاهرات داده شده است. باید این صف اعتراض علیه اسید پاشی را وسیعتر و قدرتمندتر کرد. باید کاری کرد که مقامات حکومت و امامان جمعه کثیفشان قبل از هر نفرت پراکنی علیه زنان ده بار فکر کنند. باید کاری کرد که سران حکومت دیگر جرئت نکنند دستان کثیفشان را به زندگی زنان دراز کنند.

حکومت اسلامی مسئول مستقیم اسید پاشی زنجیره ای است!

باید در مقابل این وحشیگری حکومت با تمام قدرت ایستاد!

را در هم خواهد کوبید.

تظاهرات کوبنده مردم اصفهان در مقابل دادگستری و مردم تهران در مقابل مجلس اسلامی نشان داد که توحش حکومت اسلامی نخواهد توانست مردم را ساکت کند؛ نشان داد که جمهوری اسلامی هر چه بیشتر وحشیگری از خود نشان دهد همانقدر با نفرت و اعتراض بیشتری جواب خواهد گرفت. فریاد "حجاب به زور نمی شه، ایران عراق نمی شه" اسیدپاشی قطع نشه ایران قیامت میشه، پاسخ دندان شکن مردم به این تعرض جنایتکارانه علیه زنان است. تعرضی که در عین حال حمله به حرمت کل جامعه است. تا

زنان بوده اند و هستند. سردسته این تعرض سازمان یافته به جسم و جان زنان شخص خامنه ای است. در یک جمله حکومت اسلامی مسئول مستقیم اسید پاشی زنجیره ای است.

سران جمهوری اسلامی گوش بر زمین گذاشته و صدای زلزله سیاسی مهیبی را احساس میکنند. شب قیام ۸۸ يك لحظه آرامشان نمی گذارد. اسیدپاشی زنجیره ای علیه زنان تقلایی پیشگیرانه در مقابل بازگشت قدرتمندتر قیام ۸۸ است. اقدامی مذبحخانه در مقابل طوفان انقلابی است که دیر یا زود کل عمارت خونین و چرکین جمهوری اسلامی

اسیدپاشی زنجیره ای اخیر يك جنایت آشکار و سازمان یافته توسط حکومت اسلامی علیه زنان است. عاملین این جنایت مسقیما از مقامات و دستگاههای حاکم اسلامی در ایران دستور میگیرند. آن جنایتکارانی که قتل عام دهه شصت را راه انداختند، قتلهای زنجیره ای را سازمان دادند، در مقابل قیام ۸۸ شکنجه و تجاوز و کشتار راه انداختند، امروز دستور اسیدپاشی به صورت زنان را صادر کرده اند. بیت خامنه ای، شواری نگهبان، وزارت اطلاعات، مجلس اسلامی، دستگاه قضایی و گله های درنده امامان جمعه مراکز اصلی سازمان دادن جنایت علیه

کنفرانس مطبوعاتی برلین درباره پرونده ریحانه جباری برگزار شد

مرکز خبری کمیته بین‌المللی علیه اعدام: طبق آخرین گزارش رسیده، چهارشنبه ۲۹ اکتبر برابر با ۷ آبان ۱۳۹۳ کنفرانس مطبوعاتی در برلین آلمان با حضور عمومی ریحانه جباری و مینا احدی مسئول کمیته بین‌المللی علیه اعدام برگزار شد.

در این نشست فریبرز جباری در رابطه با ابهاماتی که در پرونده ریحانه وجود داشت صراحتاً غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، معاون اول قوه قضائیه و همچنین وزارت اطلاعات ایران را متهم کرد که نسبت به اجرای حکم اعدام برادرزاده‌اش «اصرار» داشته‌اند.

و در ادامه نشست افزود: مواردی نظیر «تعارف آبیموه حاوی داروی آرام‌بخش توسط مرتضی سربندی به ریحانه جباری»، «خرید کاندوم توسط آقای سربندی» و «قتل بودن درب آپارتمان» تأکید کرد که آقای سربندی «قصد تجاوز» به ریحانه را داشته است.

آقای جباری گفت: مرتضی سربندی گرچه مدرک پزشکی داشته، اما به کار طبابت مشغول نبوده و بیشتر سرگرم کار معامله دارو و تجهیزات پزشکی بوده است. فریبرز جباری تأکید کرد که برای خانواده‌ی ریحانه روشن نیست که آیا مرتضی سربندی واقعاً از عضویت

وزارت اطلاعات بیرون آمده بود یا خیر.

وی هرگونه آشنایی قبلی میان ریحانه و مقتول را نادرست خواند و تنها ۳ بار با آقای سربندی ملاقات داشته و مجموع آشنایی این دو نیز حدود یک ماه و نیم بیشتر نبوده است و گفت که ریحانه جباری در تمامی تماس‌هایی که با مرتضی

دقایقی از ریحانه جباری می‌خواهد که روسری خود را بردارد اما او امتناع می‌کند و می‌گوید که برای کار به این آپارتمان آمده است. سپس مرتضی سربندی به طرف ریحانه جباری می‌رود و او را در آغوش می‌کشد اما ریحانه در مقابل خواسته او مقاومت می‌کند، همچنین درباره اینکه ضربه چاقو از



سربندی داشته او را با عبارت‌های کاملاً رسمی خطاب کرده است. فریبرز جباری سپس گفت: که ریحانه جباری در ابتدای ورود به آپارتمان متوجه می‌شود که این آپارتمان یک آپارتمان معمولی که در آن فردی زندگی کند، نیست و به همین دلیل از روی ترس در را باز می‌گذارد، مرتضی سربندی پس از

پشت به آقای سربندی وارد شده نیز مرتضی سربندی در حال آغوش گرفتن ریحانه بوده اما لحظه‌ای که پشتش را به ریحانه می‌کند، او کاری که به‌صورت اتفاقی روی میز بوده را برمی‌دارد و به مرتضی سربندی ضربه می‌زند. سپس مرتضی سربندی کارد را از بدن خود بیرون می‌آورد و به سمت

ریحانه پرت می‌کند و در این حین ریحانه به سمت در می‌رود که فرار کند اما متوجه می‌شود که مرتضی سربندی در را قفل کرده است، ریحانه با چاقو به در ضربه می‌زند تا در را باز کند که در این حین آقای شیخی، دوست آقای سربندی که بیرون از آپارتمان بوده در را از بیرون باز می‌کند و متوجه حادشه می‌شود. ریحانه به سمت طبقه‌های بالای ساختمان می‌رود و منتظر آسانسور می‌شود که فرار کند و در این حین می‌بیند که آقای شیخی با یک سری اسناد از آپارتمان خارج می‌شود و فرار می‌کند.

همچنین بعد از اینکه ریحانه را همراه خواهر ۱۳ ساله‌اش بازداشت می‌کنند به ریحانه می‌گویند اگر مسئولیت خرید چاقو را قبول نکنند خواهرش را شکنجه می‌کنند.

محمد مصطفایی و شادی صدر نیز مفقود شدن یکسری از مدارک، مستندات و سی‌دی مکالمه شیخی و سربندی را تأیید کردند.

ریحانه جباری در پیامی تلفنی که به «وصیت‌نامه شفاهی» وی معروف شده و در رسانه‌ها نیز با صدای خود ریحانه منتشر شده، صریحاً خواسته است که پس از اعدام «ارگان‌های بدنش» را به‌طور ناشناس در اختیار بیماران نیازمند قرار دهند، اما آخرین خواست ریحانه نیز عملی نشده است.

به گفته خانواده ریحانه، در روز مراسم خاک‌سپاری نیز مأموران با ایجاد فضای امنیتی، مانع از دیدن پیکر بی‌جان ریحانه شدند. تنها

شعله پاکروان، مادر ریحانه برای لحظاتی اجازه یافت، صورت دخترش را ببیند.

در ادامه نشست آقای فریبرز جباری از تمامی فعالان حقوق بشر، شخصیت‌های ایرانی و خارجی که در کارزار نجات ریحانه اقدام کرده بودند، سپاسگزاری کرد. وی نقش رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی در رابطه با پرونده ریحانه را مفید دانست.

همچنین در بخش دیگر نشست مینا احدی مسئول کمیته بین‌المللی علیه اعدام گفت: «بارها از ریحانه جباری خواسته بودند ببینید که موضوع قصد مرتضی سربندی برای تجاوز به وی صحت نداشته است؛ و تا آخرین لحظه در پای چوبه دار هم این خواسته را از وی داشتند»

وی افزود: «درحالی که که خبرگزاری‌های تسنیم و فارس وابسته به سپاه پاسداران از اعدام ریحانه جباری خبر داده بودند، خانواده وی در مقابل زندان رجایی شهر هنوز از اجرای این حکم خبر نداشتند.»

همچنین مینا احدی گفت: «ریحانه جباری با هلی‌کوپتر به محل اجرای حکم اعدام در زندان رجایی شهر منتقل شده و تا زمان اجرای حکم کسی از محل دقیق ریحانه خبر نداشت.»

مرکز خبری کمیته بین‌المللی علیه اعدام

چهارشنبه ۷ آبان ۱۳۹۳

جهان علیه داعش در حمایت از کوبانی و انسانیت

تظاهرات جهانی در دفاع از کوبانی، شبه ۱ نوامبر ۲۰۱۴

منطقه و قدرتهای بین‌المللی با داعش شود. مردم جهان میدانند که همبستگی بین‌المللی آنها یک فاکتور بسیار مهم و تعیین‌کننده در سرنوشت مقاومت کوبانی و دنیای بعد از آن است. نباید اجازه داد داعش و ارتجاع اسلامی در ایران و منطقه سرنوشت مردم را رقم بزند.

شبهه ۱ نوامبر ۲۰۱۴ همراه با مردم در نقاط مختلف جهان به خیابان بیابند و صفوف جنبش بین‌المللی علیه داعش، و در دفاع از کوبانی و انسانیت را تقویت کنید.

کوبانی تنها نیست!
علیه داعش برای انسانیت!

بیش از دو ماه است زنان و مردان کوبانی، در محاصره جنایتکاران داعشی که بخشی از شهر کوبانی را هم تسخیر کرده‌اند، به مقاومتی قهرمانانه دست زده‌اند. این مقاومت تحسین مردم جهان را با خود به همراه داشته است. مردم ساکت ننشسته و در سراسر جهان، از شهرهای ایران و عراق و ترکیه تا اروپا و آمریکا در دفاع از مردم کوبانی پیا خاسته‌اند.

کوبانی اکنون سمبل مقاومتی است که جهان خود را در آن می‌بیند. مقاومت علیه بربریت اسلام داعشی و اسلام سیاسی که در بخشی از جهان زندگی میلیون‌ها نفر را به تباهی کشانده است. مقاومتی که با همبستگی بین‌المللی مردم جهان روبرو شده و اجازه نداده است کوبانی در سکوت قربانی بند و بست دول ارتجاعی و اسلامی

انترناسیونال

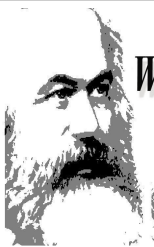
نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهرام سروش

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



WE STILL NEED MARX

TO CHANGE THE WORLD



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker Communist Party of Iran
www.wcpiran.org